



مدرسان شریف

فصل اول

«تاریخ هنر ایران»

درسنامه (۱): تمدن‌های کهن

نجد ایران

«نجد ایران» شامل فلاتی وسیع است که در شرق توسط کوه‌های سلیمان، در غرب توسط کوه‌های زاگرس و در شمال توسط کوه‌های البرز محدود شده است. نجد ایران، تقریباً شامل ایران کنونی، افغانستان و بلوچستان پاکستان است. تاریخ این منطقه مهاجرت‌ها، فتوحات و هجوم‌های بسیاری را دربرمی‌گیرد که در نتیجه آن‌ها، یکپارچه‌سازی تأثیرات خارجی با سابقه هنری داخلی - که بدون شک، قدیم است - مدام رخ می‌دهد و پس از مهاجرت‌های اقوام آریایی، فتوحات هخامنشیان و هجوم اسکندر، اعراب، مغولان و تیموریان می‌توان دید که هنر ایرانی به‌رغم تأثیرات هنر کشورهای دیگر، نوعی پیوستگی درونی در خود دارد. تاریخ هنر ایران دارای دو بخش اصلی قبل و پس از اسلام است. هنر پیش از اسلام در ایران، قدیمی‌ترین آثار باقی‌مانده از تمدن‌های باستان تا پایان حکومت ساسانیان را شامل می‌شود. با حضور اسلام در ایران و گره خوردن فرهنگ و تمدن دیرینه ایران با تمدن اسلامی، فصلی جدید در هنر ایران آغاز شد.

ورود آریاییان



صخره‌نگاره، کوه‌دشت لرستان، حدود ۸ هزار سال ق.م.

باستان‌شناسان آثار یافت‌شده در «غار شکارچیان» در کوه‌های بیستون کرمانشاه، «غار تمتمه» در آذربایجان و «غارخونیک» در خراسان را مربوط به دوره «پارینه سنگی» دانسته‌اند. پژوهندگان معمولاً مبدأ هنر ایرانی را به دوران نوسنگی (هزاره هفتم ق.م) ربط می‌دهند، ولی براساس کشفیات و اطلاعات دقیق‌تر شاید بتوان سرآغازی قدیم‌تر برای آن قائل شد. نمونه‌هایی از آثار دوره نوسنگی را می‌توان در منطقه لرستان به‌ویژه در «دوشه»، «همیان» و «کوه‌دشت» ملاحظه کرد. صخره‌نگاره‌های منطقه کوه‌دشت که صحنه‌های رزم و شکار با تیروکمان و حیواناتی چون اسب، گوزن، بز کوهی و سگ را نشان می‌دهند، از جمله قدیمی‌ترین آثار تصویری ایران به شمار می‌آیند.

بیشتر این نقاشی‌ها به شیوه‌ای ساده و ابتدایی و با رنگ‌های قرمز، اخراپی، سیاه یا زرد روی دیواره غارها کشیده شده‌اند. حیوانات عموماً پهلونما، ولی انسان‌ها گه‌گاه روبه‌رونما هستند. در نمایش پیکره‌ها و حرکات، صراحتی اغراق‌آمیز دیده می‌شود. تصویرگر پیشاتاریخی طبیعت‌نگار نبوده و علاقه‌ای به تقلید از ظواهر عینی موجودات و اشیاء نداشته است. ترسیم این تصاویر با اعتقادات جادویی مردم غارنشین منطقه لرستان مرتبط بوده است.



سفالینه منقوش بز، شوش، حدود ۳۵۰۰ ق.م

هزاره پنجم تا سوم ق.م در سرزمین ایران دوره «مس و سنگ» نامیده شده است. در این دوره سفالگری با رنگ‌های قرمز و زرد نخودی منقوش‌شده با رنگ سیاه و طرح‌های هندسی رایج بوده است. به نظر می‌رسد پیشینه سفالگری منقوش در ایران به حدود هزاره پنجم ق.م بازگردد. استفاده از چرخ سفالگری و ساخت سفالینه‌های کاملاً متقارن به حدود هزاره چهارم ق.م در مناطق تپه سیلک کاشان، تپه حصار دامغان، تل باکون، شوش و ... برمی‌گردد که شامل کاسه، ظروف دهان‌گشاده، جام و پیاله‌های پایه‌دار به رنگ زرد نخودی یا کرم است که با رنگ‌های سرخ، سیاه یا قهوه‌ای و طرح‌های هندسی و جانوری منقوش شده‌اند.

آرتور پوپ معتقد است که سفالینه منقوش را باید مانند «ولین کتاب بشر» تلقی کرد، چون طرح و نقش‌های روی این ظروف «بیان بیم و امیدها و علائمی برای استعانت از قوای طبیعی در مبارزه دائم وحشتناک حیات است.»

جانوران شاخدار مظهر نیروی باروری محسوب می‌شدند. علاوه بر نقش ساده‌شده بز، تصاویر دیگری مانند حیواناتی نظیر قوچ، گوزن، برخی پرندگان و موجودات افسانه‌ای در شکل‌ها و حالت‌هایی ساده و گاه اغراق‌آمیز تصویر شده‌اند. همچنین کوه، گیاهان، خورشید، زمین، جویبار و ... نیز به شکل‌های ساده‌شده، دیده می‌شوند. در این آثار اغلب مربع، نشانه زمین، دایره، نشانه آسمان و مثلث، نماد کوه است. نقش یا صلیب شکسته بر اشیای باستانی در نقاط مختلفی مانند مصر،



بین‌النهرین و ایران از دوره نوسنگی به بعد دیده می‌شود. این نقش تزئینی معمولاً روی ران یا شانه نقوش حیوانات دیده می‌شود و در ایران نمادی از خورشید در حال چرخش است.

در حدود هزاره دوم قبل از میلاد، با اختراع و به‌کارگیری مفرغ، «عصر مفرغ» در ایران آغاز می‌شود. فلز مفرغ که «برنز» نیز نامیده می‌شود، از ترکیب دو فلز مس و قلع ساخته می‌شود. در این دوره بود که اقوام آریایی به سوی ایران سرازیر شدند. در حدود قرن ۱۲ قبل از میلاد، با رواج استفاده از آهن در ایران، «عصر آهن» آغاز می‌شود. در لرستان که متأثر از فرهنگ عیلام بود، تمدنی پا گرفت که در مفرغ‌کاری و آهن‌کاری پیشرفت بی‌سابقه یافت و در آن انواع ابزارها، سلاح‌ها و اشیای آیینی حاوی مفاهیم رمزی در اشکال جانوران مهیب و موجودات اساطیری به‌وجود آمدند.

شهر سوخته و دشت لوت



بخشی از منطقه وسیع باستانی شهر سوخته در نزدیکی سیستان

بقایای شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان در ساحل رود هیرمند قرار دارد. در هزاره سوم و دوم قبل از میلاد، شهر سوخته به مدت هزار سال، شهری آباد و مسکونی و مهم‌ترین مرکز مفرغ‌سازی در شرق ایران بوده است. وجود خانه‌ها و کوچه‌های منظم و سیستم آبرسانی نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق شهری است. درگاه‌ها، پنجره‌ها و کف اتاق‌ها، پوششی از نوعی ترکیب گل و مواد آهکی داشته‌اند. همچنین از «تنبوشه» که لوله‌های بزرگ و سفالی برای آبرسانی بوده، استفاده شده است.

بقایای شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان در ساحل رود هیرمند قرار دارد. در هزاره سوم و دوم قبل از میلاد، شهر سوخته به مدت هزار سال، شهری آباد و مسکونی و مهم‌ترین مرکز مفرغ‌سازی در شرق ایران بوده است. وجود خانه‌ها و کوچه‌های منظم و سیستم آبرسانی نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق شهری است. درگاه‌ها، پنجره‌ها و کف اتاق‌ها، پوششی از نوعی ترکیب گل و مواد آهکی داشته‌اند. همچنین از «تنبوشه» که لوله‌های بزرگ و سفالی برای آبرسانی بوده، استفاده شده است.

نساجی و پارچه‌بافی، وجود بازی‌های فکری و همچنین کشف خط‌کش از جنس آبنوس، جراحی مغز یک دختر نوجوان و وجود چشم مصنوعی برای یک زن، همگی نشان‌دهنده تمدن قوی این شهر است. در یک گور ۵ هزار ساله در شهر سوخته، جام سفالی پیدا شده که روی آن نقش یک بز در حالت‌های مختلف در حال خوردن برگ‌های یک درخت کشیده شده است که محققان آن را «اولین انیمیشن جهان» دانسته‌اند.

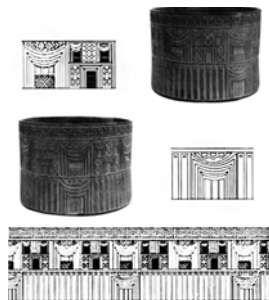


جام سفالی با نقش بز، شهر سوخته، هزاره سوم ق.م.



نقش بز روی جام سفالی، شهر سوخته، هزاره سوم ق.م.

کشف مناطق تازه در دشت لوت منجر به شناسایی تمدن دیگری در محدوده جیرفت و شهداد در نزدیکی کرمان، متعلق به حدود چهارهزار سال قبل از میلاد شد. بیشتر آثار این مناطق سنگی هستند و به نظر می‌رسد به دیگر مناطق صادر می‌شده‌اند. از یافته‌های با ارزش این منطقه «پرچم شهداد» است. به این ترتیب دشت لوت و شهر سوخته در انتهای هزاره سوم ق.م. به عنوان پررونق‌ترین تمدن‌های جنوب شرقی ایران شناخته می‌شدند.



آثار سنگی، جیرفت، هزاره سوم ق.م.

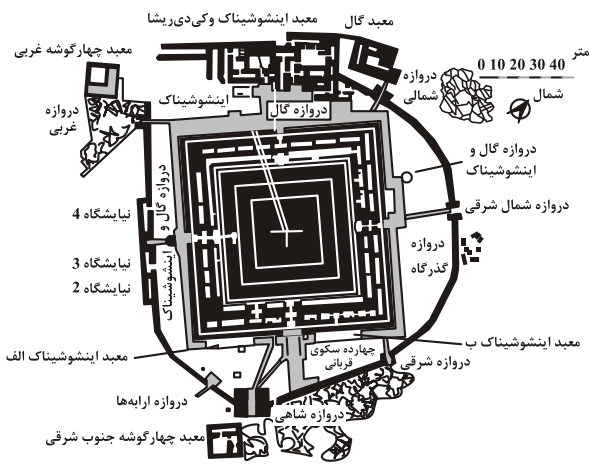


پرچم مفرغی، شهداد، کرمان، هزاره سوم ق.م.

تمدن عیلام

عیلام در زمان پادشاهی «اوتاشگال» در اوایل قرن سیزدهم (حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد) به اوج قدرت رسید. اوتاشگال شهر، «دور اوتاش» را به همراه «زیگورات چغازنبیل» بنا کرد و قصد او وحدت‌بخشیدن به خدایان مورد پرستش در سراسر عیلام تحت حمایت اینشوشیناک خدایگان شوش بود.

زیگورات چغازنبیل در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش و در کنار رود دز قرار دارد و از خشت ساخته شده است. این زیگورات دارای پنج طبقه متحدالمرکز بوده که مساحت آن‌ها روبه بالا کاسته می‌شود. دو طبقه بالایی آن از بین رفته و در حال حاضر سه طبقه آن باقی‌مانده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این زیگورات، وجود طاق‌های متعدد ضربی با طرح نیم‌دایره است. هر طبقه از این زیگورات دارای یک رنگ بوده و برای عبادت قشری خاص در نظر گرفته شده بود و بالاترین طبقه، مخصوص افراد خاص و کاهنان و محل نگهداری تندیس خدای شوش، اینشوشیناک، بود.



پلان چغازنبیل و حصار اطراف آن، حدود ۱۲۵۰ ق.م.

در زیگورات چغازنبیل، برای اولین بار از آجر لعابدار استفاده شده است. همچنین عده‌ای از محققان معتقدند که ردیف ملیله‌های باریک شیشه‌ای که در ورودی معبد برای تزئین استفاده شده، اولین «کاربرد شیشه در معماری» محسوب می‌شود.

قدیمی‌ترین طاق قوسی شکل ایران در یک بنا را می‌توان در زیگورات چغازنبیل و در سقف پله‌های آن مشاهده کرد. شکل این طاق‌ها بدون تیزه و مانند قسمتی از کمان دایره است که «طاق گهواره‌ای» نامیده می‌شود.

مجسمه‌ها و پیکره‌هایی که از تمدن عیلام باقی مانده و در شهر شوش پیدا شده‌اند، اکثراً مذهبی هستند. یکی از معروف‌ترین مجسمه‌ها، پیکره «مرد نیایشگر» است. همچنین مجسمه مفرغی بدون سر «ملکه ناپیراسو»، همسر اونتاشگال، پادشاه عیلام، در شهر شوش و در یک معبد پیدا شده که از نظر نوع پوشش زنان ایرانی در سده ۱۳ قبل از میلاد اهمیت دارد. این مجسمه هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.

در یک لوح سنگی که در شوش به دست آمده، زنی عیلامی در حال نخ‌ریسی به همراه خدمتکارش دیده می‌شود و جزئیات آرایش موی زن و خدمتکار، جامه، وسایل و زیورآلات نشان داده شده است.

عیلام در سال ۶۴۵ قبل از میلاد به دست آشور بانیپال تصرف شد.



پیکره مفرغی ملکه ناپیراسو، شوش، هزاره دوم ق.م.



زن عیلامی و ندیمه (زن در حال نخ‌ریسی)، شوش، هزاره دوم ق.م.

نکته ۱: محوطه باستانی هفت‌تپه متعلق به دوره عیلام میانی واقع در استان خوزستان در جنوب شرقی شوق، محل کشف قدیمی‌ترین نقوش گچی ایران و آرامگاه «تپتی آهار» پادشاه عیلامی است.

کلمه مثال ۱: قدیمی‌ترین نقوش تزئینی گچی در ایران از کدام منطقه به دست آمده است؟

- (۱) تپه مدرسه نیشابور (۲) سیلک کاشان (۳) فیروزآباد فارس (۴) هفت تپه خوزستان

پاسخ: گزینه «۴» گچ‌کاری و استفاده از گچ در ایران، سابقه‌ای طولانی دارد و برای مثال می‌توانیم قدیمی‌ترین اثر گچ‌بری مکشوفه از کاوش‌های علمی انجام‌شده در هفت‌تپه خوزستان را نام ببریم. این نمونه، قدیمی‌ترین اثر گچ‌بری در دوران پیش از تاریخ ایران و متعلق به هنر و تمدن عیلامی است. (در عصر هخامنشی و اشکانی هم به صورت ساده و گاه به صورت ترکیبی و تلفیقی، از این هنر استفاده شده است، اما در دوران ساسانی، تکنیک و روش‌های خاصی به همراه نقوش و موتیف‌های مختلف حیوانی، گیاهی، انسانی و نیز در فرم‌های هندسی به کار گرفته شد.)

کلمه مثال ۲: آثار مکشوفه از محوطه باستانی هفت‌تپه خوزستان، متعلق به کدام دوره و کدام پادشاه هستند؟

- (۱) هخامنشی (حدود ۵۰۰ ق.م)، داریوش اول (۲) عیلام میانی (حدود ۱۲۵۰ ق.م)، اونتاش گال
(۳) عیلام میانی (حدود ۱۴۰۰ ق.م)، تپتی آهار (۴) عیلام کهن (حدود ۲۰۰۰ ق.م)، شوتروک ناهونته

پاسخ: گزینه «۳» محوطه باستانی هفت‌تپه، مجموعه‌ای از تپه‌های باستانی متعلق به دوره عیلام میانی است که در استان خوزستان در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش قرار دارد. مساحت محوطه باستانی در حدود ۵/۱ کیلومتر مربع و متشکل از ۱۴ تپه است. این شهر ۴۰۰ سال از چغازنبیل که به دوره عیلام نو تعلق دارد، قدیمی‌تر است. از مهم‌ترین واحدهای ساختمانی کشف‌شده در حفاری هفت‌تپه آرامگاه «تپتی آهار» پادشاه عیلامی است.

اقوام کوچنده

در نیمه دوم هزاره دوم ق.م. اقوامی از ناحیه شرق دریای خزر به سمت بخش‌های مختلف ایران حرکت کرده و مناطقی از جمله تپه حسنلو، سیلک کاشان، تپه‌گیان نهبوند، تپه مارلیک گیلان و منطقه لرستان را برای سکونت برگزیدند.

تمدن املش

منطقه‌ای در دامنه غربی البرز به سوی دریای خزر که شامل مناطقی چون (کلاردشت، املش، مارلیک و کلوزر) است، به طور کلی تمدن «املش» نامیده می‌شود. آثار به‌دست‌آمده از این منطقه مربوط به هزاره دوم تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد هستند.



سیلک



نمای عمومی از تپه سیلک کاشان

«رومن گیرشمن»، سیلک کاشان را قدیمی‌ترین محل سکونت بشر در دشت شناخته است. ظروف و کوزه‌های سفالی منقوش که با تصاویر جانوران یا نقوش هندسی یا ترکیبی از هر دو زینت یافته‌اند و چرخ سفالگری از مهم‌ترین آثار یافت‌شده در این دوران هستند. مردم این منطقه روی ظروف سفالین نخودی‌رنگ یا صورتی‌رنگ، با رنگ‌های قرمز، سیاه و قهوه‌ای، نقوش ساده‌شده حیوانی و هندسی را ترسیم می‌کردند. تپه سیلک در گذشته دارای یکی از قدیمی‌ترین زیگورات‌های موجود در محدوده ایران فعلی بوده است.

کج مثال ۳: در کدام مناطق و چه زمانی، قدیمی‌ترین آثار سفالی که نشانگر کاربرد چرخ سفالگری در ایران است، کشف شد؟

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۴)

۲) تپه زاغه و دشت ورامین - اوایل هزاره دوم ق.م

۱) تپه زیویه و گوران تپه - اوایل هزاره پنجم ق.م

۴) تپه سیلک کاشان و تپه حصار دامغان - اواخر هزاره چهارم ق.م

۳) تپه چغامیش و هفت تپه - اواخر هزاره سوم ق.م

✓ پاسخ: گزینه «۴» قدیمی‌ترین چرخ سفالگری و کوره پخت سفال در جهان، در تپه سیلک کاشان یافت شده است. ساکنان این محل ظروف سفالین ظریف می‌ساختند و تصویر پرندگان و حیوانات وحشی را روی آن‌ها با رنگ سیاه منقوش می‌کردند، به تدریج این ظروف شفاف‌تر و شکل آن‌ها منظم‌تر شد. از اینجا می‌توان حدس زد که مردم این ناحیه به دلیل انجام این عمل، به اختراع چرخ نائل شده بودند، این چرخ تخته باریکی بوده است که بر زمین می‌گذاشته‌اند و آن را با دست می‌چرخاندند.

کلاردشت



جام طلای کلاردشت، حدود ۸۰۰ ق.م

در سال ۱۳۱۳ هجری، به طور اتفاقی و در حین عملیات ساختمانی در کاخ رضاشاه، تعدادی قبر با اسکلت‌ها و هدایای موجود در آن‌ها از جمله بیست ظرف سفالی و اشیایی ساخته‌شده از مفرغ و طلا کشف شدند. قدمت این آثار احتمالاً تا نیمه دوم قرن هشتم پیش از میلاد می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین و زیباترین ظروف به‌دست‌آمده از منطقه کلاردشت، «جام کلاردشت» با پیکره‌های برجسته شیر نقش‌شده بر بدنه آن است. سر شیرها جداگانه ساخته شده و بر نقش برجسته بدنه اضافه شده‌اند.

تپه مارلیک گیلان



گاو سفالین، تپه مارلیک، هزاره اول ق.م

از این منطقه ظروف و اشیای برنزی، سیمین و زرین یافت شده است که نشان می‌دهد مردم مارلیک دارای ثروت فراوان بوده‌اند. آثار یافت‌شده در مارلیک مربوط به زمان ورود آریایی‌ها و مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد هستند.



جام طلای مارلیک، هزاره اول ق.م

«جام طلایی مارلیک» با نقش دو گاو نر بالدار که در دو سوی درخت زندگی قرار دارند، یکی از جام‌های بسیار زیبا و عالی این منطقه است. (درخت زندگی، نقش استیلیزه یک درخت همراه با دو انسان یا دو حیوان مانند بز یا دو موجود خیالی در دوطرف آن است. این نقش نماد حیات و تجدید حیات، مرکز جهان و بی‌مرگی است.)

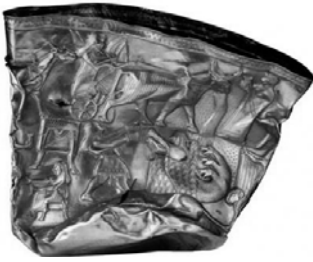
گاوهای سفالین و تصاویر انسان‌هایی که روی پیه سوزهای سفالی نقش شده‌اند، از دیگر آثار یافت‌شده در مارلیک هستند.

تمدن مانایی

ناحیه مغرب دریاچه ارومیه (حدود قرن ۸ ق.م) تمدن مانایی نام دارد. دو منطقه باستانی مهم این بخش «تپه حسنلو» و «تپه زیویه» هستند.

تپه حسنلو در آذربایجان غربی

مهم‌ترین بناي این تپه در جنوب غربی دریاچه ارومیه «دژ حسنلو» و مهم‌ترین اثر کشف‌شده در این تپه «جام حسنلو» نام دارد که با نقوش مذهبی و اساطیری و از طلا ساخته شده و مربوط به حدود سده دوازدهم قبل از میلاد است.



جام حسنلو، جنوب دریاچه ارومیه، هزاره دوم ق.م



نمای عمومی از تپه حسنلو و حصار اطراف آن در آذربایجان غربی، هزاره دوم ق.م



نقوش روی جام حسنلو

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۶)

کدام مثال ۴: تصویر زیر مربوط به چه دوره‌ای و محل کشف آن کجاست؟



۱) هزاره دوم پیش از میلاد، همدان

۲) هزاره اول پیش از میلاد، مارلیک گیلان

۳) هزاره اول پیش از میلاد، رودبار گیلان

۴) هزاره اول پیش از میلاد، ارجان بهبهان

پاسخ: گزینه «۲» جام مارلیک متعلق به هزاره اول پیش از میلاد از جنس طلای ناب و دارای نقش درخت زندگی است که در هر دو سوی آن دو گاو بالدار نقش شده‌اند. در کف این جام گلی با یک خورشید در میانش نقش بسته است. جام ۱۸ سانتی‌متر ارتفاع دارد و نقوش سرهای گاوهای بالدار از سطح آن بیرون زده‌اند.

تپه زیویه



زیویه - دستبند و قسمتی از گردنبندها، قرن ۷ ق.م

تپه زیویه در نزدیکی شهر سقز در استان کردستان قرار دارد. در این منطقه اشیایی از جنس طلا، مفرغ و عاج پیدا شده که حدوداً مربوط به سده هفتم قبل از میلاد است. ظروف سفالین و لعابدار و جام‌هایی که شبیه به سر انسان یا حیوان یا شاخ هستند، نیز در این منطقه یافت شده است. آثار کشف‌شده در این منطقه احتمال ارتباط میان دو منطقه حسنلو و زیویه را قوت می‌بخشد.

لرستان

موضوع اصلی مفرغ‌های لرستان، جانوران هستند که به شکل ساده‌شده یا افسانه‌ای معمولاً به صورت منتهی‌شده به یک حلقه ساخته شده‌اند. ظروف گوناگون، سیتولا (جام مفرغی باریک و بلند با ته مخروطی‌شکل)، سر تیر، دهنه اسب و مجسمه‌های کوچک نمونه آثار یافت‌شده در لرستان هستند.



دهنه مفرغین اسب، لرستان، اوایل هزاره یکم ق.م



سریند دهانه، مفرغ لرستان، سده‌های ۹ تا ۷ ق.م



مدرس‌ان شریف

فصل دوم

«تاریخ هنر جهان»

درسنامه (۱): هنر پیش از تاریخ



عصر سنگ یا عصر حجر، دوران زندگی انسان‌ها در غارهاست. در این دوره، انسان‌ها با وسایل ساده‌ای مانند قلوه‌سنگ‌ها یا سنگ‌هایی با لبه تیز و... به شکار می‌پرداختند. به مرور با کشف آتش، تحولات زیادی در زندگی انسان‌ها به وجود آمد. این دوره با پیشرفت کشاورزی، رام کردن دام‌ها و توانایی استفاده از فلز مس و فلزکاری، به پایان رسید. عصر سنگ را دوره پیش از تاریخ دانسته‌اند؛ زیرا آغاز توانایی انسان به نوشتن را آغاز تاریخ می‌دانند. دوره‌های پس از عصر سنگ را «عصر مس، عصر مفرغ و عصر آهن» نامیده‌اند.

عصر سنگ

عصر سنگ، به سه دوره اصلی، «پارینه‌سنگی، میانه‌سنگی و نوسنگی» تقسیم‌بندی شده است. در این دوره، انسان‌های غارنشین تصاویری را روی دیواره غارها با رنگ‌هایی مانند سیاه که از دوده آتش و چربی ساخته بودند، یا قرمز که از گل آخر می‌ساختند، طراحی یا نقاشی می‌کردند. بیشتر این نقاشی‌ها، تصاویری از انسان، یا حیواناتی مانند انواع گاو، اسب، گوزن، ماموت، بز و کرگدن بود. ابتدا نظر بر این بود که وجود این نقاشی‌ها دلایل «تزیینی» دارد اما باستان‌شناسان آن‌ها را دارای کاربرد «جادویی» براساس اعتقادات انسان‌های غارنشین دانستند. انسان‌های غارنشین، اغلب در نقاط دوردست و تاریک غارها، تصاویری را در اندازه‌های مختلف، که گاه بسیار بزرگ هستند، به صورت «طبیعت‌گرایانه»، نقش می‌کردند. بسیاری از این نقاشی‌ها روی هم کار شده‌اند و روی برخی از آن‌ها هنوز محل برخورد تیرها دیده می‌شود و برخی از جانوران در حالت بارداری تصویر شده‌اند. گویی از این نقش‌ها برای مراسم جادویی شکار استفاده می‌شده است. تصاویر انسان طبیعت‌گرایانه نیست و به شیوه انتزاعی و نمادین نقش شده است.

پارینه‌سنگ (پالئولیتیک)

در این دوره انسان‌ها در غارها زندگی می‌کردند. آثار باقی‌مانده از این دوره به دو گروه «هنر خانگی» و «هنر غاری» تقسیم‌بندی می‌شود. در اروپا عصر پارینه‌سنگی با سه دوره فرهنگی «آرینیایی»، سلوثره‌بی، و ماگدالنی» شناخته می‌شود.

«هنر خانگی» شامل اشیای کوچک زینتی است. نمونه این آثار، تندیسک‌های عاجی یا سنگی است (مربوط به مرحله آرینیایی) که پیکره‌های زنانه کوچکی هستند و در آن‌ها بر اعضای زنانه و باروری تأکید شده و «ونوس» نامیده می‌شوند مانند «ونوس ویلندرُف» که در اتریش پیدا شده است.

در مرحله ماگدالنی، اوج تحول هنر خانگی را می‌توان مشاهده کرد، یکی از بهترین آثار یافت‌شده در این دوره، یک قطعه کنده‌کاری‌شده روی شاخ گوزن است که سر برگشته گاو وحشی را نشان می‌دهد.

آثار باقی‌مانده از دوره پارینه‌سنگی که «هنر غاری» نامیده می‌شوند، نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌ها روی دیوار و سقف غارها هستند. قدیمی‌ترین آثار هنر غاری که تاکنون یافت شده‌اند، «نقش‌های سایه‌وار دست‌های انسان» بر دیوار غارها هستند. نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های این دوره، شامل نقش حیواناتی است که در آن زمان در اروپای غربی وجود داشتند، مانند ماموت، گاو کوهان‌دار، اسب، گاونر، و گوزن شمالی. همچنین علائمی مانند خانه‌های شطرنجی، مربع و شکل‌های هندسی دیگر در غارها دیده شده است.

اکنون آثار این دوره در غارهایی در سه منطقه از اسپانیا و فرانسه یافت شده‌اند. در این دیوارنگاری‌ها می‌توان شیوه‌های مختلفی را مربوط به زمان‌های مختلف تشخیص داد. در مرحله آرینیایی، طراحی‌ها خطی و تک‌فام هستند و در مرحله ماگدالنی، نقاشی‌ها دارای چند رنگ عمده هستند.



ونوس ویلندرُف، پانزده هزار سال قبل از میلاد



سر برگشته گاو وحشی

بهترین نمونه‌های دیوارنگاری آرینیایی، در غار «لاسکو» فرانسه و بهترین نمونه‌های نقاشی ماگدالنی، در غار «آلتامیرا» در اسپانیا پیدا شده‌اند. آثاری از هنر غاری در غارهای «فَن دُگوم» و «لامادلین» فرانسه نیز پیدا شده است.

کجک مثال ۱: اوج تحول «هنر خانگی»، در کدام دوره سنگ است؟

(۴) ماگله‌مُزی

(۳) ماگدالنی

(۲) سلوتره‌یی

(۱) آرینیایی

پاسخ: گزینه «۳» در مرحله «ماگدالنی، پارینه سنگی»، اوج تحول هنر خانگی را می‌توان مشاهده کرد، در این دوره تکه استخوانی پیدا شده که بر روی آن، نقش یک گله گوزن کار شده است. یکی از بهترین آثار یافت‌شده در این دوره، یک قطعه کنده‌کاری‌شده روی شاخ گوزن است که «سر برگشته گاو وحشی» را نشان می‌دهد.

میان‌سنگی (مزولیتیک)

در این دوره با پایان گرفتن عصر یخبندان، انسان‌ها از غارها بیرون آمده و در زیستگاه‌های دائمی در کنار رودخانه‌ها و سواحل دریاچه‌ها زندگی می‌کنند. در این دوره، انسان به شکار پرندگان و ماهیگیری می‌پردازد و ساخت ابزارهای سنگی ظریف‌تر و کوچک‌تر را یاد می‌گیرد. این دوره دارای فرهنگ‌های «آزیلی (در اروپا)، کاپُسی (در شمال آفریقا)، ناتوفی (در سوریه و فلسطین) و ماگله‌مُزی (از دریای شمال تا بالتیک)» است.

این دوره، مرحله گذار از پارینه‌سنگی به نوسنگی است و از حدود ده هزار سال تا شش هزار سال قبل ادامه داشته است و از این دوره اشیای هنری زیادی به دست نیامده است. نمونه‌هایی مانند سنگ‌ریزه‌های منقوش فرهنگ آزیلی، کنده‌کاری‌های روی استخوان در دانمارک و نقاشی‌های صخره‌ای در اسکندیناوی (فرهنگ ماگله‌مُزی)، دسته داس با نقش سر گوزن و نقش سر انسان در فلسطین، پیدا شده‌اند.

آثار یافت‌شده در غارهای منطقه «میرملاس» در کوه‌های بختیاری ایران، از جمله غارهای «دوشه» و «همیان» را به این دوره مربوط دانسته‌اند. معروف‌ترین آثار دوره میان‌سنگی، نقاشی‌های کوچک و تک‌فام در پناهگاه‌های صخره‌ای اسپانیا است.

نوسنگی (نئولیتیک)

با گذشت زمان زندگی اجتماعی حالت جدی‌تری به خود گرفت و در دوره نوسنگی، «شهرنشینی» آرام آرام آغاز شد. در این دوره انسان به کشاورزی، گله‌داری و خانه‌سازی می‌پردازد و حرفه‌هایی مانند سفال‌گری، بافندگی، پخت نان و ساخت ابزار ظریف و صیقلی شکل می‌گیرد. دوره نوسنگی در مدیترانه خاوری در خاورمیانه، از حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز می‌شود، در اروپا عصر نوسنگی از حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز می‌شود و تا حدود ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد ادامه می‌یابد. در این عصر در سرزمین «بین‌النهرین»، تمدن‌هایی شکل می‌گیرند و بقایای این تمدن‌ها در کشورهایمانند: ایران، ترکیه، عراق، و اردن امروزی پیدا شده‌اند. نمونه‌های مهم‌ترین هنر دوران نوسنگی، یعنی «سفال‌گری» در سفالینه‌های منقوش «سیلک» و «شوش» در ایران یافت شده‌اند.

سفالینه‌های یافت‌شده در اروپا، مربوط به دوره نوسنگی را براساس نقوش روی آن‌ها به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱- سفالینه‌های منطقه شرقی (دانوبی)، دارای نقوش موج هستند.

۲- سفالینه‌های منطقه شمالی، دارای نقوش هندسی و خطوط شکسته هستند.

۳- سفالینه‌های منطقه غربی، شکل و تزئینات جالب توجهی ندارند.

در اروپا آثاری از عصر نوسنگی باقی مانده‌اند که «درشت سنگ» یا «خرسنگ» نامیده شده‌اند. این بناهای معماری گونه عظیم سنگی، در کشورهای ایرلند، انگلستان و ایالت برتانی فرانسه وجود دارند. کاربرد دقیق این خرسنگ‌ها هنوز مشخص نشده است، برخی آن‌ها را بقایای بناهای مذهبی و آیینی یا مقبره‌ها دانسته‌اند و برخی برای آن‌ها کارکردهای نجومی مانند تقویم و ... دانسته‌اند. یکی از معروف‌ترین خرسنگ‌ها (استون هتج) در سالزبری انگلستان است. این بناها به سه دسته اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱- «دُلْمِن»: از چند خرسنگ عمودی و یک تخته سنگ به جای سقف تشکیل شده‌اند، احتمال داده‌اند که این بناها گورهای دالانی بوده‌اند که از خاک پوشیده شده بودند و با مرور زمان و شسته شدن خاک توسط باران، این سنگ‌های عظیم باقی مانده‌اند.

۲- «مِن‌هیر»: این خرسنگ‌ها قائم و مرتفع به صورت ردیف‌های موازی و ممتد قرار دارند.

۳- «کرام‌لک»: تخته‌سنگ‌های بزرگی هستند که در پیرامون یک دایره قرار داده شده‌اند.

کجک مثال ۲: «درشت سنگ»ها یا «خرسنگ»ها، مربوط به چه دوره‌ای هستند؟

(۲) نوسنگی (نئولیتیک)

(۱) پارینه سنگی (پالئولیتیک)

(۴) آرینیایی پارینه سنگی

(۳) میان‌سنگی (مزولیتیک)

پاسخ: گزینه «۲» «درشت سنگ»ها یا «خرسنگ»ها آثاری هستند که از عصر نوسنگی در اروپا باقی مانده‌اند. این بناهای معماری گونه عظیم سنگی، در کشورهای ایرلند، انگلستان و ایالت برتانی فرانسه وجود دارند.



تصویری از جنگجویان پیش‌رونده، دره گاسولا در اسپانیا



درسنامه (۲): تمدن‌های باستان و تمدن‌های باستانی آمریکا



بین‌النهرین

بین‌النهرین (میان‌رودان)، منطقه‌ای در آسیا و در پیرامون رودهای دجله و فرات است. نواحی مرکزی بین‌النهرین به دلیل وجود شبکه بسیار وسیع و غنی آب‌های طبیعی، بسیار حاصلخیز بوده است اما پس از گذشت هزاران سال و تغییرات جوی و جغرافیایی، اکنون اغلب زمین‌های این منطقه بایر و کم آب است. بسیاری بین‌النهرین را «مهد تمدن بشری» دانسته‌اند و این منطقه امروزه شامل بخش‌هایی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه و اردن است.

تمدن بین‌النهرین، از حدود هزاره پنجم قبل از میلاد آغاز شد و تا حدود ۶۰۰ قبل از میلاد، تمدن مهمی در جهان به شمار می‌رفت. مهم‌ترین مراکز قدرت و تمدن و فرهنگ بین‌النهرین، عبارت‌بودند از: «سومر، اکد، بابل، بابل جدید و آشور».

علاوه بر این تمدن‌ها، بقایایی از تمدن‌هایی خیلی قدیمی، در سرزمین بین‌النهرین پیدا شده‌اند که اغلب به صورت تپه‌هایی باستانی در این سرزمین پراکنده هستند، مانند «اریحا» در اردن، «چتل هیوک» در آناتولی (ترکیه که مهرهای غیر فیگوراتیو، با نقوش انتزاعی و تزئینی از آن به دست آمده است) و «العبید» و «جمدت‌النصر» در عراق.

مهم‌ترین بناهای باقی‌مانده در بین‌النهرین، بقایای «معبد»هایی هستند که «زیگورات» نامیده می‌شود. زیگورات‌ها بناهای خشتی کوه مانندی بوده‌اند که به شکل پلکانی ساخته می‌شدند و با روند کاهشی سطح طبقات فوقانی، به سوی آسمان پیش می‌روند. چهار گوشه آن‌ها رو به چهار جهت اصلی بوده و عمدتاً ۳، ۵ یا ۷ طبقه داشته‌اند و گاه این طبقات رنگ‌های متفاوتی داشته‌اند. روی بدنه زیگورات‌ها معمولاً نوشته‌هایی برای معرفی بنا، توضیح علت ساخت و نام بانی و سازنده آن حک می‌شده است.

«سفال‌گری» پیشرفته از مظاهر شهرنشینی هر تمدن کهن شناخته می‌شود. این صنعت از ابتدایی‌ترین شکل خود، یعنی ساخت ظروف از گل خام، تا نوع پیشرفته‌اش، یعنی کار روی چرخ سفال‌گری و کوره‌پز کردن، تحولاتی را طی کرده که با رشد فکری و تسلط فنی انسان‌های سازنده آن همراه بوده است. ابتدایی‌ترین نمونه ظروف گلین در بین‌النهرین یافت شده‌اند. این نوع ظروف ابتدایی را در آفتاب خشک می‌کردند. در هزاره پنجم پیش از میلاد، با ظروفی روبه‌رو هستیم که روی چرخ سفال‌گری به طور حرفه‌ای و دقیق ساخته شده‌اند. این چرخ‌ها با پا به حرکت در می‌آمدند.

بیشتر ظروف پیداشده از حفاری‌های بین‌النهرین، دارای نقوش زیبای هندسی یا نقش جانوران در قالب اشکال هندسی زیبا هستند. در میان مصنوعات هنرمندان قدیم، به اسباب‌بازی‌هایی برمی‌خوریم که از جنس‌های مختلف از جمله سفال، برای کودکان ساخته شده‌اند.

کدام مثال ۳: مهرهای به‌جامانده از کدام منطقه باستانی غیر فیگوراتیو هستند؟

(هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۳)

(۴) شوش

(۳) لاگاش

(۲) چتل هیوک

(۱) موهنجودارو

پاسخ: گزینه «۲» هنر چتل هیوک انتزاعی و تزئینی بود.

سومر

تاریخ ورود سومریان به این سرزمین دقیقاً معلوم نیست و سومریان از نژادی غیرسامی بودند. سومریان نخستین تمدن درخشان بشری را پایه‌گذاری کردند و دولت‌شهرهای باشکوهی چون «اور، اوروک، نیپور، کیش، لاگاش، اربدو» را بنا نهادند. تاریخ بعضی از این شهرها به هزاره پنجم قبل از میلاد می‌رسد. معبد در سومر، دارای جایگاه ویژه‌ای بود و به صورت «زیگورات» ساخته می‌شد و کاهنان بر دولت‌شهرها حکومت می‌کردند. «اوروکازینا» از قدیمی‌ترین پادشاهان سومری بوده که در شهر «لاگاش» حکومت می‌کرد.

در بناهای سومری‌ها، بیشتر از خشت و آجر استفاده شده است، سنگ در سومر بسیار نایاب بود. از معابد سومر که هنوز آثاری از آن‌ها باقی مانده است، «معبد سفید» در شهر اور (قدیمی‌ترین زیگورات سومر) و «معبد عبید» است و «زیگورات اور» در عراق امروزی یکی از معروف‌ترین زیگورات‌های سومری است که در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است.

زیگورات اور به دستور «اور - نامو»، پادشاه شهر اور (۲۱۱۳ تا ۲۰۹۶ ق.م)، برای «نانا» خدای ماه و محافظ شهر در سه طبقه ساخته شده است. به خاطر نشانه‌های وقوع سیل در اور بعضی محققان آن را به لحاظ تاریخی با واقعه طوفان بزرگ نوح مرتبط دانسته‌اند.

ابتدایی‌ترین و برترین آثار کشاورزی که نشانه زندگی اجتماعی است، ابزارسازی و دانش استفاده از فلزات و وجود دولت‌شهرهای مستقل، از مشخصه‌های تمدن سومر هستند. سومریان از «مس» و «قلع» استفاده می‌کردند و «مفرغ» را از مخلوط کردن آن‌ها ساختند. آن‌ها بعدها که «آهن» را شناختند، آن را در برخی از موارد به کار برده‌اند.

«خط» که مهم‌ترین اختراع بشری است، از مهم‌ترین دستاوردهای سومریان است. قدیمی‌ترین نوشته‌های سومری روی سنگ‌هاست، ولی «الواح گلی» بسیاری از سومر به دست آمده است. روی لوح‌های گلی، مطالبی اجتماعی، سیاسی، دینی، اخلاقی، علمی و هنری نوشته شده است. خط سومری‌ها، «خط میخی» بود که از راست به چپ نوشته می‌شد. قدیمی‌ترین شعرها در این لوح‌ها یافت شده است و یکی از داستان‌های رایج نوشته‌شده در این دوران، افسانه «گیلگمش» است.

در «معبد آبو» در «تل اسمر»، تعدادی پیکره‌های نیایشگران زن و مرد به صورت ایستاده پیدا شده است. اغلب این مجسمه‌ها اندازه‌های کمتر از ۵۰ سانتی‌متری دارند و بلندترین آن‌ها، حدود ۷۵ سانتی‌متر است. این پیکره‌ها «چشم‌های بسیار درشت» دارند. آن‌ها دارای لباس‌های بلند، بدون تزئینات و پوست‌مانندی هستند و بر موهای بلند و مجعد آن‌ها تأکید بسیاری شده است. دست‌های این پیکره‌ها به نشانه دعا یا نیایش یا احترام در جلوی بدن آن‌ها

قرار گرفته است. در نظر هنرمند باستانی، چشم‌ها دریچه‌های روح بودند. چشمان بزرگ با نگاه خیره ثابت همه چیز را می‌بینند و تصویر چهره از روبه‌رو با دو چشم که دیدن انسانی را از دیدن حیوانی صرف متمایز می‌کند، نشانه هوشیاری و بینایی مطلق و علم خدایان به همه امور و تضمین عدالت است.



پیکره‌های معبد آبو در «تل اسمر»، ۲۷۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م



سر مرد، تل اسمر، ۲۷۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م



مجسمه سر یک زن، سومر، هزاره چهارم ق.م



مجسمه بز و درخت، سومر، ۲۶۰۰ ق.م



جعبه چنگ سومری، ۲۶۰۰ ق.م

در معبد سفید، مجسمه «سر یک زن» ساخته‌شده از سنگ مرمر، پیدا شده است که متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد است. در این سردیس، جای چشمان و ابروها خالی است و چشمان نسبت به صورت، بزرگ هستند. کاسه‌های گودِ کره‌های چشم و دو چشم این سردیس، از صدف یا سنگ رنگی پر شده بود و برای نصب بر زمینه‌ای چوبی و احتمالاً گذاشتن گیسوان زرتار بر آن ساخته شده بود. اصل و نسب این سردیس ناشناخته است. اما در نخستین دوره پیدایش خط ساخته شده و یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های مجسمه‌سازی در بین‌النهرین به‌شمار می‌رود.

در ساخت «چنگ سومری» طلا، صدف و سنگ‌های قیمتی مانند لاجورد، به زیبایی به کار رفته است. روی جعبه چنگ، سر گاوی وجود دارد که با طلا و لاجورد تزئین شده است. نقوش بسیار زیبایی در چهار ردیف، به‌صورت حیواناتی که کارهای انسان‌ها را انجام می‌دهند، روی جعبه چنگ کار شده است. در قسمت بالا قهرمانی را بین دو حیوان نشان می‌دهد که احتمالاً گیل‌گمش است. در قسمت دوم، شیر و گرگی را در حال حمل غذا نشان می‌دهد. در قسمت سوم، الاغ، خرس و آهو و چنگ تصویر شده‌اند. و در پایین، انسان‌هایی با شکل بز و عقرب، در حال حمل چیزهایی نقش شده‌اند. در این مرصع‌کاری تزئینی، صحنه‌ای شاد نشان داده شده است که احتمالاً شبیه‌سازی اساطیر باستانی است. مطمئناً این یکی از نخستین نمونه‌های این موضوع در ادبیات و هنر است که در آن، جانوران همچون آدمیان رفتار می‌کنند.

یکی دیگر از آثار زیبا و معروف یافت‌شده از تمدن سومر، در شهر اور، مجسمه بز در کنار درخت است. این بز که روی دو پا ایستاده است، دو دستش را روی درخت نهاده است. این مجسمه ۵۰ سانتی‌متر است و از چوب، طلا و سنگ لاجورد ساخته شده است و احتمالاً از آن برای آویختن ندورات استفاده می‌شده است.

نکته ۱: عقاب با سر شیر در تمدن سومر (انزو) نماد نبرد و قدرت بود.

مثال ۴: معبد سفید متعلق به کدام تمدن بوده است؟

(هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۴) مصر

(۳) سومر

(۲) روم

(۱) یونان

پاسخ: گزینه «۳» معبد سفید، متعلق به تمدن سومر است و روی سکویی قرار گرفته است.

مثال ۵: در تمدن باستانی سومر، عقاب با سر شیر نماد چه بوده است؟

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۱)

(۲) نبرد و قدرت

(۱) خدا - شاه

(۴) نماد کشاورزی و آورنده باران

(۳) نماد دامپروری و مراتع

پاسخ: گزینه «۲» «انزو» موجودی با بدن پرنده‌ای عظیم و سر شیر است که از نفس او آتش و از بال‌هایش طوفان برمی‌خاست.

(هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۳)

مثال ۶: در کدام منطقه، باستان‌شناسان احتمال داده‌اند که آثار مکشوفه، همان آثار بازمانده از طوفان نوح باشد؟

(۴) فویون جیک

(۳) سامرا

(۲) دورشروکین

(۱) اور

پاسخ: گزینه «۱» منطقه اور از شهرهای تمدن سومر است که احتمال می‌دهند با طوفان نوح مرتبط باشد.



کلمه مثال ۷: در اساطیر مصر و خاورمیانه، عقاب مقدس با سرشیر چه نام دارد؟

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

Silenus (۴)

Musurussu (۳)

Hunefer (۲)

Imdugud (۱)

پاسخ: گزینه «۱» احتمالاً Imdugud تلفظ صحیح نام سومری پرنده‌ای هیولامانند است که در آکدی انزو نامیده می‌شود. این موجود به صورت پرنده‌ای ترسیم شده است اما دارای سر شیر و اندازه‌ای گول‌پیکر است، چنانچه تکان خوردن بال‌هایش موجب ایجاد توفان‌های شن و گردباد خواهد شد. سایر تصاویر انزو حاکی از داشتن منقاری است «شبهه به اره» و به احتمال بسیار قوی سری به شکل پرنده. در روایت استاندارد، قهرمان حماسه نینورته خدای جنگ است. در روایت بابلی کهن، قهرمان حماسه (نین گیرسو) خدای حامی شهر گیرسو در بین‌النهرین مرکزی است. این روایت به صورت خلاصه نوشته شده و ما فقط بخش کوچکی از آن را در اختیار داریم.

اکد



سر فرمانروای اکدی، نینوا، ۲۲۵۰ ق.م

در ۲۳۰۰ ق. م اکدی‌ها که قومی سامی بودند، به سرکردگی سارگون اکدی بر سومریان چیره شدند و شهر بابل را پایتخت خود قرار دادند. اکدی‌ها برخلاف سومری‌ها که ملوک‌الطوایفی بودند، توانستند حکومت مرکزی ایجاد کنند. آن‌ها فرهنگ سومری را جذب کرده بودند و در دوران حاکمیت سارگون و پیروانش، مفهوم تازه‌ای به قدرت پادشاه دادند. چهره بالهتی که از یک پادشاه نینوا به جا مانده است، این مفهوم جدید، پادشاهی مطلق را مجسم می‌کند.

«نارامسین»، یکی از قدرتمندترین پادشاهان اکد بود و در «لوح پیروزی نارامسین» که حدود ۲ متر ارتفاع دارد، پادشاه با قامتی بلندتر از سپاهیان، بر اجساد شکست‌خورده دشمنان ایستاده است و کلاهخودی شاخ‌دار بر سر دارد و دو ستاره بر فراز این صحنه در بالای کوه مقابل او می‌درخشند. پیشرفت‌های اکدی‌ان با تاخت و تاز قبایل گوتی متوقف شد. در این دوره «اور» و «لاگاش» دوباره قدرت یافتند «گودآ» فرمانروای خردمند این دوره، عنوان پادشاه را مختص خدای شهر دانست. این دوره را «سومر جدید» نامیده‌اند.

از «گودآ» تندیس‌های زیادی در حالت‌های نشسته و ایستاده، در حالی که دستانش را در جلوی سینه به هم فشرده است، به جای مانده است که در معابد قرار می‌دادند. او کلاهی بافته‌شده بر سر دارد و لباس ساده و بلندی بر تن دارد که از شانه راستش فرو افتاده است. تندیس ایستاده گودآ از وحدت و فشرده‌گی خاصی برخوردار است.

بابل

بابلی‌ها با استفاده از دستاوردهای تمدن سومری، دولت نیرومندی ساختند و تمامی ساکنان را به اطاعت خود درآوردند. اوج قدرت دولت بابل در دوره حکومت پادشاه معروف آن‌ها «حمورابی»، حدود سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد بود. بیشتر شهرت حمورابی به دلیل مجموعه قوانین و دستوراتی است که به دستور او بر سنگ مرمر سیاه استوانه‌ای شکلی نوشته شده و در مرکز شهر قرار داشته است تا همگان آن را بدانند. این سنگ نوشته که «لوح حمورابی» نامیده می‌شود، قدیمی‌ترین قانون مدون کشف‌شده به شمار می‌رود. لوح حمورابی در شهر شوش پیدا شده است، گویا یکی از پادشاهان عیلامی، این لوح را به این شهر آورده بوده است.

در بالای این لوح، تصویر حمورابی در حال گرفتن قوانین از خدای بابل «شمش» یا «شاماش» که بر تختی نشسته است، نشان داده شده است. در زیر تصویر مجموعه قوانین حمورابی که درباره حقوق مالک، خانواده، وظایف فرزندان و امثال آن‌ها است، نوشته شده است. پس از حمورابی جانشینان او برای مدتی قدرت و قلمرو دولت بابل را حفظ کردند، اما تقریباً هرگز بابل به عظمت دوره حمورابی بازنگشت. اقوام مختلف از اطراف به بابل هجوم می‌آوردند و فرصت کافی برای تقویت دولت بابل وجود نداشت. اقوامی بنام «هیتی»‌ها و «کاسی» بابل را مورد تهاجم قرار می‌دادند. در دوره‌ای کاسی‌ها، مقاومت دولت بابل را درهم شکستند، اما نتوانستند تسلط خود را بر آن سرزمین حفظ کنند. به مرور دولت بابل تبدیل به دولتی کوچک و کم‌اهمیت شد و شهر بابل که بارها دستخوش هجوم و غارت شده بود، سرانجام به دست گروهی از اقوام سامی به نام «آشوریان» افتاد و آن‌ها بنیان دولت جدیدی را نهادند.



لوح حمورابی، تمدن بابل

آشور

در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد، آشوری‌ها پس از پایان یافتن اقتدار «اکد» و «بابل»، به قدرت رسیدند. هنر آشوری تأثیرات زیادی از هنر بابلی گرفته است.

آشوری‌ها مانند سومریان بناهای خود را با آجر می‌ساختند، اما به این دلیل که محل استقرار آشوری‌ها ناحیه شمالی بین‌النهرین بود و در این ناحیه سنگ به وفور یافت می‌شد، آن‌ها از سنگ‌های وزین و حجیم در قسمت‌های پائینی محوطه‌های مهم داخل بنا و دروازه‌ها استفاده می‌کردند. به دلیل استفاده از سنگ در بناها، زمینه برای خلق نقش‌برجسته‌ها و مجسمه‌های گوناگون مساعد بود.

«زیگورات خرساباد» که به دستور «سارگون دوم»، امپراتور قدرتمند آشوری بنا شده بود، هفت سطح (پلکانی) داشته که امروزه تنها چهار طبقه از آن باقی است. ارتفاع هر طبقه ۵/۵ متر بوده و هر طبقه با رنگ جداگانه‌ای رنگ‌آمیزی شده بود.

مجسمه «گاو بالدار با سر انسان» که مربوط به حدود ۷۲۰ قبل از میلاد است، در ناحیه خُرساباد پیدا شده است که نمونه‌ای از پیکرهای گول‌آسایی است که از شیران یا گاو بالدار با سر آدمی، در این دوره ساخته می‌شد. این مجسمه‌ها مانند پیکره‌های محافظ در جلوی دروازه‌های کاخ پادشاه قرار می‌گرفتند و برای گرامی داشتن مقدم شاه و راندن نیروهای شر، ساخته می‌شدند. این مجسمه‌ها دارای «پنج پا» بودند، به گونه‌ای که از روبه‌رو ایستاده به نظر می‌رسیدند و از دید جانبی، در حال حرکت هستند.



گاو بالدار، آشور، حدود ۷۲۰ ق.م



نقش برجسته «ماده شیر محتضر»، نینوا، ۶۵۰ ق.م

در بسیاری از نقش‌برجسته‌های آشوری، به روایت‌گری تصویری پرداخته شده است. نوع ایستادن و نشستن انسان در نقش‌برجسته‌های آشوری، خشک و رسمی است و اغلب سر و پاها از دید جانبی و بدن از دید روبه‌رو نشان داده شده‌اند. بازنمایی شکار، مراسم مذهبی و پادشاه مقتدر از مضامین هنر آشوری به‌شمار می‌روند.

ویژگی‌های اصلی نقش‌برجسته آشوری، نمایش قدرت و شقاوت و نیروی جنگی و به‌خصوص دقت و توانایی در وصف حالات مشهود واقعیات طبیعی است. مانند نقش‌برجسته «ماده شیر محتضر» که مربوط به حدود ۶۵۰ قبل از میلاد بوده و در نینوا کشف شده است. در این نقش‌برجسته ماده شیری دیده می‌شود که در اثر برخورد تیرهای کشنده، از دو پا فلج شده و در حال احتضار، پیکر خود را بر دو دستش می‌کشد.

در اواخر قرن هفتم قبل از میلاد، تعدادی از دولت‌های منطقه مانند دولت‌های ماد و کلد (بابل جدید)، علیه آشوریان با هم متحد شدند و با حمله‌ای ناگهانی، دولت آشور را نابود کردند.

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۶)

کدام یک از موارد زیر خصوصیات بارز هنر آشور را بیان می‌کند؟

(۲) بازنمایی طبیعت - زندگی مردم عادی - آیین‌های نیایش

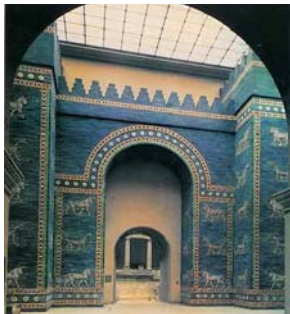
(۱) بازنمایی قدرت پادشاهان بر اقوام مغلوب

(۴) بازنمایی حیوانات و شکار - مراسم مذهبی و اقتدار پادشاهان

(۳) پرستش پادشاهان - دنیای اساطیر - بازنمایی آئین‌های باستانی

پاسخ: گزینه «۴» نقش‌برجسته در هنر آشوری تکامل یافته بود. صحنه‌های نقش‌برجسته در هنر آشوری عبارت بودند از جنگ، لشکرکشی، شکار، مراسم دینی و این‌ها همه موضوعاتی بودند برای بزرگداشت شخص فرمانروا که سوار بر اسب یا ارابه و یا در حال شکار و کشتن شیر بر صحنه حکومت می‌کرد. ویژگی اصلی پیکرتراشی آشوری نمایش قدرت، شقاوت، نیروی جنگی، تحرک و به‌خصوص دقت در وصف واقعیات مشهود و حالات طبیعی است؛ نمونه بارز آن نقش‌برجسته ماده شیر محتضر است که در آن ماده‌شیر با تیری که به کمرش فرورفته پاهای خود را بر زمین می‌کشد.

بابل جدید (کلده)



بنای بازسازی‌شده دروازه ایشتر، بابل جدید

امپراتوری آشور در حدود قرن ۷ پیش از میلاد، با هجوم اقوام مختلف دچار تزلزل شد و پس از افت و خیزهایی، بابل، دوره کوتاهی از شکوفایی و اوج تمدن را تحت فرمانروایی «بخت‌النصر» یا «نبوکدنصر»، حدود ۵۸۰ قبل از میلاد، گذراند. او پس از حمورابی، بزرگ‌ترین پادشاه بابل محسوب می‌شود و علاقه بسیاری به آبادانی داشت. این دوره کوتاه به عهد حکومت «بابل نوین» مشهور است. در همین عهد نوع جدیدی از معماری با «آجر لعابدار» رواج یافت.

«دروازه ایشتر» که به دستور بخت نصر در بابل بنا شد، نمونه‌ای عالی از روش جدیدی است که بر دیوارهای رنگین آن نقش‌برجسته‌های انواع جانوران حقیقی و اسطوره‌ای، چون شیر و گاو قرار داشته است.

آجرهای لعابدار به رنگ‌های آبی، سبز، زرد، سفید و سیاه بود. هزاران آجر لعابدار دروازه ایشتر تا چندی پیش در اثر فرو ریختن، پراکنده بود، اما هم‌اکنون جمع‌آوری شده و دروازه ایشتر بازسازی شده است.

«ایشتر» در بین‌النهرین، خدای عشق، جذابیت و جنگ بود، حیوان مقدس آن «شیر» است. این الهه در سومر «اینانا» نامیده می‌شد. ایشتر، «ایشتر»، دختر سین (خدای ماه) و گاه دختر آنود (خدای آسمان) بود. ایشتر، خواهر شمش (خدای خورشید و داور زمین و آسمان) بود.



مدرسان شریف

فصل سوم

«تاریخ ادبیات ایران»

درسنامه (۱): ادبیات ایران پیش از اسلام



ادبیات ایران باستان

ادبیات ایرانیان باستان به دو صورت شفاهی و مکتوب و به تمامی زبان‌های ایرانی است. این آثار به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- ۱- آثار حکومتی: مانند سنگ‌نوشته‌های شاهان و نوشته‌های روی سکه‌ها.
- ۲- داستان‌های ملی، افسانه‌ها و بعضی از آداب و رسوم اجتماعی: این آثار پیکره اصلی ادبیات شفاهی غیردینی پیش از اسلام را تشکیل می‌دهند.
- ۳- آثار دینی: بیشترین آثار مکتوب این دوران با دستگاه‌های دینی زردشتی، بودایی، مانوی و مسیحی ارتباط دارند و بدنه اصلی ادبیات دینی ایران پیش از اسلام را تشکیل می‌دهند. «کتاب اوستا» که پس از قرن‌ها حفاظت به صورت شفاهی بود، سرانجام در دوره «ساسانیان» به کتابت درآمد. جنگ‌ها و عقاید دینی و فرهنگی، پایبندی ایرانیان به حفظ سنت ادبیات شفاهی و تغییر خط و زبان از جمله عواملی بودند که باعث نابودی گنجینه ادبی پرارزش ایران پیش از اسلام شده‌اند. مقدار بسیار ناچیزی از ادبیات گسترده ایران باستان تا امروز به صورت مکتوب باقی مانده‌اند. از زبان‌های ایرانی در طی قرون گذشته، اسنادی در دست است که تحولات آن‌ها را نشان می‌دهد. این تحولات، زبان را در طی تاریخ می‌توان به سه دوره اصلی تقسیم کرد: ۱- دوره باستان، ۲- دوره میانه و ۳- دوره نو (جدید).
- از زبان‌های ایرانی دوره باستان که از قدیمی‌ترین زمان تا انقراض هخامنشیان در گستره بسیار پهناوری رواج داشته‌اند، چهار زبان «مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی» شناخته شده‌اند. تنها از دو زبان «اوستایی و فارسی باستان» آثار ادبی مکتوبی برجای مانده است.
- در دوره هخامنشیان چهار نوع خط در استان‌های ایران رواج داشته است: ۱- خط هیروگلیفی در مصر، ۲- خط آرامی در آسیای غربی، ۳- خط بابلی در بابل و ۴- خط عیلامی در ایران غربی.
- از زبان‌های ایرانی دوره میانه که پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی تا انقراض حکومت ساسانیان و آغاز دوره اسلامی، یعنی از حدود ۳۰۰ ق.م تا حدود ۷۰۰ م در مناطق مختلف متداول بوده‌اند، آثاری ادبی باقی مانده است. زبان‌های این دوره به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱- گروه غربی، شامل زبان‌های «پارتی» یا پهلوی اشکانی و «فارسی میانه» یا پهلوی ساسانی. ۲- گروه شرقی، شامل زبان‌های «سغدی»، «خوارزمی»، «سکایی» و «بلخی».
- مانی و پیروان او، برخلاف سنت زرتشتیان، به نگارش آثار خود بسیار اهمیت می‌دادند، کتاب‌های زیادی را به مانی نسبت داده‌اند، مانند: کتاب «ارژنگ» و کتاب «گوان»، یعنی پادشاه مقتدر. به عقیده مانی در آغاز نور و ظلمت یا روح و ماده از هم جدا بوده‌اند؛ نور در بالا و ظلمت در پایین مستقر بودند. آرامش فضیلت در عالم بالا یا عالم نور حکم‌فرما بود و رذایل و پستی‌ها و زشتی‌ها در عالم پایین یا جهان ظلمت قرار داشتند.

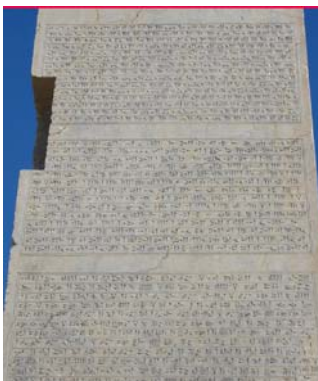
ادبیات فارسی دوره باستان

از ادبیات «مادها» و ادبیات «سکایی»، اثر مکتوبی برجای مانده است.

ادبیات فارسی باستان

زبان فارسی باستان، نیای زبان فارسی امروزی و زبان «قوم پارس» بوده است. در دوره هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) به این زبان تکلم می‌شده است. تنها آثار مکتوب زبان فارسی باستان کتیبه‌های برخی از شاهان هخامنشی به «خط میخی» است که علاوه بر سنگ، بر الواح زرین و سیمین، سنگ وزنه، مهر و ظرف برجا مانده‌اند. زبان دیوانی و مکاتبه شاهنشاهی ایران در آن زمان «آرامی» بوده است.

«خط آرامی» از معروف‌ترین خط‌های کهن است که با اقتباس از الفبای ۲۲ حرفی «فینیقی»ها به وجود آمده است و جزء خطوط «سامی» به‌شمار می‌رود. این خط که دارای ۲۲ حرف است در کتیبه‌های مربوط به هخامنشیان دیده می‌شود.



کتیبه سنگی، دوره هخامنشی

از خط آرامی، شش نوع خط به وجود آمده است: ۱- هندی (سانسکریت) ۲- فارسی پهلوی ۳- عبری ۴- سریانی ۵- تدمری ۶- نبطی «خط میخی ایرانی» یا «خط عیلامی» دارای ۴۲ علامت است، و از چپ به راست نوشته می‌شده است. کتیبه‌های بسیاری مربوط به دوران هخامنشیان با این خط نوشته شده‌اند.

محتوای این سنگ‌نوشته‌ها مربوط به سیاست و حکومت است. هر متنی که به نام «داریوش اول» نوشته شده شامل مقدمه، بخش اصلی و مؤخره است. سنگ‌نوشته‌های جانشینان او، به غیر از کتیبه دَبُوه‌ی خشایارشا که تقلیدی از عبارت‌بندی‌های نوشته‌های داریوش در آن‌ها دیده نمی‌شود، تکرار عبارات پیشین داریوش است. طرح اصلی کتیبه‌ها به طور کلی و با تفاوت کمی به صورت زیر است: ستایش اهورامزدا، معرفی شاه، نام سرزمین‌های خراج‌گزار یا یادکردن، ساختن، بنا، بیان فرونشاندن شورش‌ها، دعا یا اندرز به شاهان آینده همراه با شکرگزاری از اهورامزدا.

محل کشف	تاریخ	کتیبه
همدان	۶۴۰ - ۵۹۰ ق.م.	آریارمنه آرشام
دشت مرغاب	۵۵۹ - ۵۳۰ ق.م.	سه کتیبه کوروش
بیستون تخت جمشید نقش رستم سوئز گنج‌نامه همدان الوند کاخ آپادانای شوش	۵۲۲ - ۴۸۶ ق.م.	کتیبه‌های داریوش

ادبیات اوستایی

زبان اوستایی که در «ایرانویج» سرزمینی از نواحی شرق ایران که احتمالاً ناحیه خوارزم بوده، به آن سخن می‌گفته‌اند، زبانی است که «اوستا» کتاب دینی زردشتیان با آن نوشته شده است. از این زبان کهن به جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن، اثر دیگری به‌جا نمانده است. واژه «اوستا» به معنی «دانش و شناخت» است و با واژه «ودا» نام کهن‌ترین کتاب دینی هندوان هم‌ریشه است.

قدیمی‌ترین آثار این زبان مربوط به قرن‌های دهم تا هشتم ق.م. است اما به دلیل اهمیت سنت شفاهی، کتاب اوستا، تا قرن چهارم میلادی مکتوب و مدون نشده بود. در دوره پادشاهی شاپور ساسانی (۳۰۹-۳۷۹ م.) و پس از رسمیت‌یافتن دین زردشتی، مجموعه اوستا با خط مخصوصی به نام «دین‌دبیری» خط دینی به کتابت درآمد. کتاب اوستایی که امروز در دست است، در حدود یک سوم یا یک چهارم اوستای دوره ساسانی است. اوستایی که در دوره ساسانیان مکتوب شد، در ۲۱ «سَنک» (باب)، تدوین شده بود. این کتاب تألیف عظیمی بود و مطالبی درباره پیدایش جهان و رستاخیز، نجوم و پزشکی، زندگی زرتشت، تاریخ انسان، حماسه‌ها و اسطوره‌های کهن و مجموعه‌ای از دانستنی‌های گوناگون را دربرداشت. همه اوستا از نظر زبان یکدست نیست و این تفاوت را می‌توان به دلیل اختلاف گویشی یا قدمت بعضی از بخش‌های آن دانست. متون اوستایی را براساس قدمت زبانی و ویژگی‌های دستوری و زبان‌شناختی و نیز از دیدگاه آموزه‌های بنیادی و محتوای مذهبی به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱- اوستای گاهانی

متن‌های گاهانی در حدود یک ششم از اوستای موجود را دربرمی‌گیرد و تنها مأخذ معتبر درباره زندگی زرتشت است. اوستای گاهانی شامل این بخش‌ها است:

الف) گاهان (گات‌ها):

«گاهان» کهن‌ترین اثر ادبی ایران و قدیمی‌ترین بخش اوستا است. ظاهراً سروده خود زرتشت و مشتمل بر ۱۷ سرود است که در اوستای کنونی بخشی از «یسنا» می‌باشد. اشعار گاهان «هجایی»‌اند و از نظر ساختمانی با اشعار «ودایی» شباهت دارند. گاهان را به پنج «گاه» یا بخش تقسیم کرده‌اند و هر «گاه» دارای فصل‌هایی به نام «ها» می‌باشد.

ب) یسن‌های هفت‌ها

این بخش به نثر است و پس از گاهان قدیمی‌ترین بخش اوستا را شامل می‌شود و «یسن‌های هفت‌نگه‌آیتی» یا «یسن‌های هفت‌فصل» نیز نامیده می‌شود.

ج) دعا‌های یسن

در این بخش از اوستا متن دعا‌های معروف زرتشتی نظیر اَهونَوَر، اَشِم و وَهُ و ینگه‌ها تام آمده است.

۲- اوستای متأخر

این بخش از اوستا تقریباً پنج‌ششم تمامی کتب مقدس زرتشتیان را شامل می‌شود و «اوستای جوان» نیز نامیده می‌شود. اوستای متأخر شامل ۵ بخش «یسنا» (گاتا، سرود زردشت و جزء آن است)، ویسپَرَد، وندیداد، یشت‌ها و خرده‌اوستا» است.

- یسنا:

یسن به معنی «ستایش و نیایش» است و مشتمل بر دعاها و سرودهای دینی و ذکر ایزدانی که برای شرکت در مراسم یسنه یا یسنا خوانده می‌شوند و نثارهایی که به آنان تقدیم می‌شود، می‌باشد. این بخش از ۷۲ «ها» (فصل) تشکیل شده و هر «ها» شامل بندهایی با اندازه‌های متفاوت است. «گاهان» و

«یسن‌های هفت‌ها» در میان یسن‌ها جای دارند. (سینای ۴۷ موسوم به سپنتامینو است)



- ویسپرد

به معنی «سروران» است و مطالب آن اغلب برگرفته از یسن‌ها و مکمل آن‌هاست.

- وندیداد

صورت قدیمی‌تر واژه وندیداد، «ویدیدوداد» به معنی «قانون جدایی و دوری از دیوان» است. این کتاب در ۲۲ «فرگرد» یا بخش، تدوین شده و در حقیقت رساله عملیه‌ای است به صورت پرسش و پاسخ که در آن اهورامزدا به پرسش‌های زردشت پاسخ می‌دهد. وندیداد نوزدهمین نَسک از اوستای دوره ساسانی و یگانه نسکی است که از آن دوران به صورت کامل به دست ما رسیده است. پرسش‌های وندیداد در مورد قوانین تطهیر و کفاره گناهان، جرائم و تاوان آنها است. چند داستان اسطوره‌ای مانند «داستان جم» و بخش جغرافیایی مشروحو در مورد سرزمین‌های گوناگون از دیگر بخش‌های وندیداد است. نشان پادشاهی جمشید در داستان جم حلقه‌ای زرین و تازیانه‌ای زر نشان بود.

- یشت‌ها

یشت به معنی «ستایش و نیایش» است و از نظر لغوی با واژه کهن یسن و واژه‌های «جشن» و «ایزد» در زبان فارسی هم‌ریشه است. این بخش شامل ۲۱ «یشت» است و هر یشت به چند «کرده» بخش تقسیم می‌شود. تفاوت یشت‌ها با یسنا در مضامین آن‌هاست. یسن نیایش‌هایی عام برای آیین‌های مختلف ستایش و یشت سرودهایی در ستایش ایزدان است.

- خرده‌اوستا

خرده‌اوستا که «اوستای کوچک» نیز نامیده می‌شود، شامل دعاها و نیایش‌های کوتاه مخصوص مردم عادی زرتشتی است و در برابر دعا‌های خاصی است که در مراسم دینی مخصوص روحانیان خوانده می‌شود. «آذربده مهر اسپند» موبد موبدان زمان شاپور دوم ساسانی (۳۱۰ تا ۳۷۹ م.) این مجموعه را تدوین کرده است.

کج مثال ۱: کدام یک از موارد از اجزای «اوستا» به شمار می‌رود؟

- (۱) یشت‌ها - یسنا - وندیداد - ویسپرد
(۲) گاتاها - وندیداد - خرده‌اوستا - بُندهشن
(۳) یادگار زریران - مینوی خرد - وندیداد - درخت آسوریک
(۴) ارداویراف‌نامه - خرده‌اوستا - درخت آسوریک - ویسپرد

پاسخ: گزینه «۱» در گزینه ۳ و ۴ یادگار زریران، درخت آسوریک و ارداویراف‌نامه کتاب‌هایی راجع به جنگ ایران و توران (یادگار زریران)، مناظره بز با یک درخت (درخت آسوریک) و راهنمایی‌های مذهبی یک موبد (ارداویراف‌نامه) هستند. در گزینه ۲ نیز گاتاها به «آوازهایی» که زرتشتیان می‌خواندند گفته می‌شود. اوستا مجموعه کهن‌ترین نوشتار و سروده‌های ایرانیان و در واقع دانش‌نامه ایرانیان بوده است که در روزگار باستان بیست‌ویک نسک (کتاب) داشته و در شکل کنونی خود شامل پنج بخش است: یسنا (که سخنان زرتشت موسوم به گاهان در آن گنجانده شده است)، یشت‌ها (سروده‌های نیایشی)، وندیداد (توصیف جلوه‌های مختلف ارواح شیطانی و راه‌های غلبه بر آن‌ها)، ویسپرد (مجموعه‌ای از متمم‌های یسنا که به توصیف فرشتگان و عبادت آن‌ها می‌پردازد) و خرده اوستا (گلچینی از دعا‌های اوستا که به‌عنوان کتاب دعای روزانه به کار می‌رفته است).

کج مثال ۲: نشان پادشاهی جمشید چه بود؟

- (۱) آتش، جام جم
(۲) تاج و عصای زرین
(۳) حلقه‌ای زرین و تازیانه‌ای زر نشان
(۴) فره‌ایزدی و عودسوز و کمر بند زرین

پاسخ: گزینه «۳» جمشید نیز مانند سلیمان صاحب نگین و خاتم بوده است. در بند هفت از وندیداد که مربوط به قصه‌ی جمشید است، اهورامزدا گوید که من به جمشید دو ابزار دادم یکی asira و دیگری suwta. در معنی سورا اختلاف است؛ برخی آن را تیر و سلاحی زرین معنی کرده‌اند و برخی نگین یا حلقه زر.

کج مثال ۳: «سپنتامینو» در اشارات داستانی ادبیات فارسی به چه صفحه‌ای اطلاق می‌شود؟

- (۱) ارواح مینوی که هدایت‌کننده موبدان‌اند.
(۲) خرد مقدس و افزونی‌بخش
(۳) جلوه زمینی اهورامزدا در صورت‌های طبیعت
(۴) آیین ایزدی که توسط امشاسپندان نوشته شده است.

پاسخ: گزینه «۲» سپنتا مینو به معنی خرد مقدس است. انگاره مینو یا خرد خبیث در برابر آن قرار دارد. یسنای ۴۷ موسوم به سپنتامینو است.

ادبیات ایران در دوره اشکانیان

از دوره اشکانی، به زبان «پارتی» یا همان «پهلوی اشکانی» هیچ نوشته ادبی، دینی یا غیردینی به‌جا نمانده است. نامه‌ها و اسناد در این دوره ابتدا به زبان «آرامی» نوشته می‌شدند و از حدود نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد، زبان «پارتی» جای آن را گرفت. خط پارتی نیز که از خط آرامی اقتباس شده بود، در کتابت به کار می‌رفت. زبان «یونانی» نیز یکی از زبان‌های رسمی دوران اشکانیان بود. اولین سکه‌های دوره اشکانیان که به رسم سلوکیان و با خط یونانی ضرب می‌شد ولی از حدود نیمه قرن اول میلادی، خط پارتی جای آن را گرفت.

ادبیات دوره پارتی، به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه توسط نقالان و قصه‌گویان حفظ می‌شد. خنیاگرانی که داستان‌ها را به‌خصوص به صورت شعر نقل می‌کردند، «گوسان» نامیده می‌شدند. از دوران اشکانیان، کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، سفال و فلزنوشته‌ها و چرم‌نوشته‌هایی پیدا شده است که به خط پارتی هستند. در شهر «نسا» نزدیک «عشق‌آباد»، پایتخت قدیم اشکانیان، سفال‌نوشته‌هایی پیدا شده که تاریخ نگارش اغلب آن‌ها قرن اول میلادی است.

نکته ۱: یادگار زیربان منظومه‌ای شاعرانه به زبان فارسی میانه است و نشانه‌های زبانی در آن وجود دارد که نشان می‌دهد اصل این اثر به زبان پارتی بوده است. در یادگار زیربان، ایرانیان و خیونان بر سر دین تازه‌ای که ایرانیان پذیرفته‌اند، می‌جنگند. در رویارویی دو کشور، زیر برادر گشتاسب در نبرد دلاورانه ناجوانمردانه کشته می‌شود و بستور پسر هفت‌ساله او به کین‌خواهی پدر به میدان می‌رود.

مثال ۴: داستان «ویس و رامین» متعلق به کدام دوره است؟
 (۱) اشکانی (۲) ساسانی (۳) سلجوقی (۴) صفوی

پاسخ: گزینه «۱» دلایلی که برای اشکانی بودن این داستان آورده می‌شود:

شاه شاهان: مهرداد دوم نخستین کسی بود که از لقب شاه شاهان برای خود استفاده کرد. در «ویس و رامین» هم برای شاه موبد - برادر رامین و شوهر ویس - لقب شاه شاهان بارها به کار رفته است. هرچند پس از مهرداد نیز شماری از شاهان اشکانی از این لقب بهره بردند، ولی هیچ یک به اقتدار او نرسیدند. جنگ با ارمنستان: مهرداد دوم در سال ۱۱۰ پ. م به جنگ با ارمنستان رفت. این موضوع در «ویس و رامین» نیز آمده است. جنگ ایران و روم: در سال ۱۲۲/۱۲۱ پ. م مهرداد دوم به آسیای کوچک و روم حمله می‌کند و پیروز می‌شود. در ویس و رامین نیز آمده است. ساتراپ ساتراپ‌ها: در نقش برجسته‌های بیستون، نقش برجسته‌ای از مهرداد دوم وجود دارد که ۴ تن از ساتراپ‌های محلی در برابر وی قرار دارند. یکی از این افراد همین «گودرز» است که به‌عنوان ساتراپ ساتراپ‌ها، یعنی مسئول تمامی ایالات در پیشاپیش ساتراپ‌های محلی قرار گرفته است. در «ویس و رامین» می‌خوانیم که «رامین» برای فراموشی «ویس» از شاه می‌خواهد که او را سپهبد ماه‌آباد (ایالت ماد) کند که شاه در استقبال از این پیشنهاد، حکمرانی گرگان، ری و کوهستان را نیز به رامین می‌سپارد. در ادامه نیز روشن می‌شود علاوه بر این مناطق بر مناطق دیگری نیز حکم می‌رانده است. تطابق زایچه: از جمله محکم‌ترین دلایل پیرامون این موضوع زایچه است (جدول یا شرح محل ستارگان که بیشتر به مناسبت‌هایی ویژه چون زایش، مرگ یا وقوع جنگی ثبت می‌شده است). این مفهوم در کتاب «ویس و رامین» آورده شده است و بیانگر زمانی است که شاه برای نخستین بار با ویس دیدار می‌کند که با دانش ستاره‌شناسی امروز و با بررسی وضعیت آسمان در فاصله سال‌های ۲۴۷ قبل از میلاد تا پایان دوره ساسانیان و حتی زمان زندگی فخرالدین اسعد گرگانی، تنها می‌توان به یک حالت منطبق با نشانه‌های زایچه کتاب «ویس و رامین» برخورد کرد و این تاریخ هم برابر با ۱ ژوئیه ۱۱۶ پ. م است و این درست همان زمانی است که مهرداد دوم در ایران پادشاهی می‌کرد.

مثال ۵: کتاب معروف «یادگار زیربان»، به کدام زبان نوشته شده و ساختار کتاب چیست؟
 (۱) پارتی - منظوم (۲) پهلوی - منثور (۳) عربی - داستانی (۴) فارسی - داستانی

پاسخ: گزینه «۱» یادگار زیربان منظومه‌ای شاعرانه به زبان فارسی میانه است که اصل آن به زبان پارتی برمی‌گردد.

ادبیات ایران در دوره ساسانیان

ادبیات ایران در دوره حکومت ساسانیان شامل خط و زبان پهلوی «فارسی میانه» و انبوه کتاب‌های ادبی این عهد است. ظاهراً داستان‌های عشقی و رمزی به صورت مکتوب و شفاهی بخش مهمی از ادبیات این دوره را تشکیل می‌داده است. کتیبه‌های دوره ساسانی به دو نوع خط نوشته شده است: خط «پهلوی کتیبه‌ای» یا خط منقش و خط «پهلوی کتابی» یا خط متصل یا خط تحریری. کتیبه‌های اوایل دوران ساسانیان، اغلب به پهلوی (فارسی میانه)، پهلوی اشکانی (پارتی) و یونانی هستند.

کتیبه‌های ساسانیان

مکان	کتیبه
نقش رستم	اردشیر بابکان و اورمزد
شرق شیراز	آبنون
حاجی‌آباد	شاپور اول
کعبه زرتشت، نقش رجب تنگ بُراق و نقش رستم	کتیبه‌های شاپور
دورآروپوس	کتیبه‌های دورآروپوس
نقش رجب، کعبه زرتشت، نقش رستم، سر مشهد در نزدیکی کازرون	کتیبه‌های کُرتیر

مثال ۶: کدام یک از کتیبه‌های دوران ساسانیان نیست؟

- (۱) سنگ‌نوشته «آبنون»
 (۲) کتیبه‌های «کُرتیر»
 (۳) کتیبه «آرشام»
 (۴) کتیبه‌های «دورآروپوس»

پاسخ: گزینه «۳» سنگ‌نوشته «آبنون»، کتیبه‌های «کُرتیر» و کتیبه‌های «دورآروپوس» مربوط به دوران ساسانیان می‌باشند و کتیبه «آرشام»، یکی از معروف‌ترین کتیبه‌های دوران هخامنشیان است. این کتیبه حدود ۵۵۹ تا ۵۹۰ ق.م. بر روی لوحه طلائی نگاشته شده است و در همدان کشف شده است.



ادبیات پهلوی

قدیمی‌ترین شعر در ایران، «گاناهای زردشت» است و اولین شعر دوران ساسانی را «اشعار مانی» دانسته‌اند. مانی کتابی به نام «شاپورگان» داشته است که به صورت شعر هجایی بود.

«مانی» در حدود سال ۲۱۶ میلادی در نزدیکی تیسفون به دنیا آمد. نام پدرش «فانک» یا «پاتیگ» از همدان و مادرش از بزرگ‌زادگان اشکانی (پارتی) بود. او پیام‌آور آئین مانوی بود و از طرف شاپور اول به او اجازه تبلیغ داده شد. گفته شده او شش کتاب مقدس خود را به زبان سریانی، زبان اصلی رایج در بین‌النهرین، نوشته است و کتاب معروف «شاپورگان» را به پهلوی نوشته و در روز تاج‌گذاری، شاپور اول ساسانی به او تقدیم کرده است. استفاده از هنر نقاشی و تصویرسازی در کتاب‌های مانویان از ویژگی‌های مهم آثار پیروان مانی بود. همچنین کلماتی از زبان آرامی گرفته می‌شد و در کتیبه‌ها و کتاب‌های پهلوی به خط پهلوی ثبت می‌شد ولی در هنگام قرائت، ترجمه پهلوی آن‌ها خوانده می‌شد. این کلمات «هزوارش» نامیده می‌شوند. ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا به پهلوی به اصطلاح «زند و پازند» نامیده می‌شوند.

کج مثال ۷: محتوای کتاب ارژنگ چیست؟

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۱)

۲) تصویر آموزش‌های بنیادی مانی

۱) آموزه‌های موبد موبدان، اره تنگ

۴) نگاره‌هایی مذهب و توصیفی از جهان‌های زیرین و زبرین و عالم مینوی

۳) شرح آیین‌های گنوسی و تصویرنگاری‌های تورفانی

پاسخ: گزینه «۴» مانی یک پیامبر ایرانی بود که در نزدیکی تیسفون به دنیا آمد. یکی از کتاب‌های پرآوازه مانی که به صورت نقاشی بوده است، ارژنگ نام دارد و شامل نقاشی‌هایی است که به وسیله آن دو جهان روشنی و تاریکی و ساخت جهان کنونی به نمایش درآمده است.

زند و پازند

در دوره ساسانیان، زبان اوستایی زبان مرده‌ای به شمار می‌رفت که فقط موبدان آن را می‌آموختند و نیاز به ترجمه اوستا وجود داشت. ترجمه و تفسیر اوستا به زبان «پهلوی» را اصطلاحاً «زند» می‌گویند که معنی اصلی آن «توضیح» است. منسوب به زند، یعنی «زندیک» یا «زندیق»، به معنی کسی است که اوستا را ترجمه و تأویل می‌نماید.

«پازند»، یعنی برگرداندن متون پهلوی به خط اوستایی. آن بسیاری از متون را شامل می‌شود، مانند: «ارداویراف‌نامه، بندهش و مینوی خرد».

از آثار تألیف شده براساس زند:

- دینکرد

به معنی تألیف دینی و نام دیگر آن دانشنامه فردیسنی است.

- گزیده‌های زادسپرم

توسط زادسپرم، پسر گشن جم که در قرن سوم هجری (قرن نهم و دهم میلادی) می‌زیسته، تألیف شده است.

- ارداویراف‌نامه (ارداویراف‌نامه)

این کتاب در مورد سفر ارداویراف یا ارداویراز به جهان دیگر می‌باشد. ارداویراف‌نامه پهلوی، در قرن هفتم هجری قمری توسط «زراتشت بهرام پژدو» به نظم فارسی دری ترجمه شده است.

«ویراف مقدس» نام یکی از موبدان است که به عقیده پارسیان، صاحب معراج بوده و ارداویراف‌نامه، «معراج‌نامه» او است. کتاب، تصویر کاملی را از دوزخ در زرتشتی‌گری به دست می‌دهد و یکی از منابع مهم تاریخی شفاهی آیین باستانی زرتشتی است.

- زند و همن یسن (تفسیر بهمن یسن)

پیشگویی حوادث جهان است.

- پیشگویی‌های جاماسب

شامل «جاماسب‌نامه، یادگار جاماسب و بهرام ورجاوند» پیشگویی‌های جاماسب وزیر و مشاور گشتاسب در مورد حوادث هزاره زرتشت است.

کج مثال ۸: کدام مورد، به عنوان «دانشنامه مزدیسنی» شناخته می‌شود؟

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۷)

۴) ویسپرد

۳) دینکرد

۲) جاویدان خرد

۱) بندهش

پاسخ: گزینه «۳» دینکرد تحت‌اللفظی به معنی «تألیف دینی» و «دین» در این کلمه به معنای روایات و کتاب دینی (اوستا و زند) است؛ به این معنی که کتاب پهلوی «دینکرد»، حاوی متونی مبتنی بر اوستا و ترجمه‌های آن است. این اثر بزرگ در اصل مشتمل بر نه کتاب بوده که کتاب‌های اول و دوم آن تماماً و بخشی از کتاب سوم از بین رفته است. این کتاب مطالب گوناگونی را دربرمی‌گیرد و آن را به‌درستی «دانشنامه مزدیسنی» نام نهاده‌اند.

داستان‌ها و افسانه‌های منثور

به غیر از کتاب‌های دینی و علمی، قصه‌ها و رمان‌های عشقی، رزمی و بزمی نیز بخش مهمی از ادبیات ساسانی را تشکیل می‌داده است. بسیاری از داستان‌های تاریخی ایران اعم از عشقی و جنگی که در قرون اولیه اسلامی نوشته شده‌اند و در آثار شعرای بزرگی همچون فردوسی و نظامی نیز به کار رفته‌اند، میراثی از عهد ساسانی هستند. در این دوره به دلیل اهمیت سنت شفاهی داستان‌ها نیز بیشتر به صورت سینه‌به‌سینه نقل و حفظ شده‌اند. در زمان «انوشیروان» نهضت به کتابت درآوردن آثار ایجاد شد و بسیاری از افسانه‌های ایرانی تدوین شدند و یا داستان‌های ملل دیگر به پهلوی ترجمه گردیدند. داستان‌های مشهور شیرین و فرهاد، زال و رودابه، بیژن و منیژه، ویس و رامین و وامق و عذرا نیز در اصل به زبان پهلوی بوده و در قرون اولیه اسلامی به عربی و فارسی امروزی ترجمه شده‌اند. کتاب‌های ادبی بزرگی نظیر قصه‌های هزارویک‌شب، کلیله و دمنه، هزارافسان، سندباد، قصه بهرام چوبین و... از این کتاب‌ها بوده‌اند.

هزار افسان

این کتاب از کتاب‌های ادبی معروف پهلوی ساسانی است که در آن روزگار معروف به هزارافسان بوده و پس از ترجمه به عربی «الف لیله و لیله» نام گرفته است. این کتاب هسته اصلی هزارویک‌شب ایرانی است و شامل داستان‌هایی است که «شهرزاد» برای پادشاه تعریف می‌کند. این افسانه‌های ایرانی با داستان‌های رایج در بغداد و مصر آمیخته شد و کتاب «الف لیله و لیله»، هزارویک‌شب، به زبان عربی نوشته شد. در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، این کتاب توسط «عبداللطیف طسوجی» از عربی به فارسی برگردانده شد و «سروش اصفهانی»، اشعاری از شاعران ایران و خود را به آن افزوده است.

- سندبادنامه

شامل حکایت اصلی و داستان‌های فرعی شبیه کلیله و دمنه است. برخی معتقدند اصل این داستان هندی است. این داستان از پهلوی به عربی ترجمه شد و در زمان نوح بن منصور سامانی به فارسی ترجمه شده است. در حدود سال ۶۰۰ هجری «ظهیری سمرقندی» آن را دوباره به فارسی برگردانده است.

- بلوهر و بوداسف

این کتاب درباره زندگی «بودا» است و اصل آن هندی است که در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. پس از اسلام، این کتاب از پهلوی به عربی ترجمه شد.

- کلیله و دمنه

کلیله و دمنه از کتاب‌های عظیم ادبی دوره ساسانی است که در زمان انوشیروان، توسط «برزویه طبیب» از زبان سانسکریت به پهلوی ساسانی برگردانده شده است. اصل این کتاب در زبان سانسکریت «پنج‌تَنتره»، یعنی پنج باب بوده است. در دوره اسلامی «ابن‌المقفع» آن را به عربی ترجمه کرده است و اشعاری را به آن اضافه کرد. در زمان نصر بن‌احمد سامانی (۳۰۱ تا ۳۳۱ ه. ق.)، این کتاب به صورت نثر از عربی به فارسی برگردانده شد و همین ترجمه منثور بوده که در سال ۳۲۰ ه. ق.، «رودکی» آن را به نظم درآورد.

- طوطی‌نامه

این کتاب در دوره ساسانی از سانسکریت به پهلوی ترجمه شد. اصل کتاب «سوکه سَپَتَتی»، هفتاد داستان طوطی نام داشت.

- اسکندرنامه

درباره فتوحات اسکندر نوشته شده است و اصل پهلوی داشته است.

کدام مثال ۹: کدام کتاب در مورد سفر یک نفر به جهان دیگر است؟

- (۱) ارداویراف‌نامه (۲) هزارافسان (۳) سندبادنامه (۴) بلوهر و بوداسف

پاسخ: گزینه «۱» «ارداویراف‌نامه» (ارداویرازنامه) در مورد سفر ارداویراف یا ارداویراز، به جهان دیگر است. کتاب «هزارافسان» از کتاب‌های ادبی معروف پهلوی ساسانی است، که پس از ترجمه به عربی «الف لیله و لیله» نام گرفته است و پس از ترجمه به فارسی «هزارویک‌شب» نام گرفت. «سندبادنامه» شامل حکایت اصلی و داستان‌های فرعی، شبیه کلیله و دمنه است. «بلوهر و بوداسف» درباره زندگی «بودا» است و اصل آن هندی است که در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است.

کدام مثال ۱۰: «پنج‌تَنتره»، کتابی که توسط «برزویه طبیب»، از زبان سانسکریت به پهلوی ساسانی برگردانده شده است، در فارسی چه نامیده شد؟

- (۱) هزارویک‌شب (۲) کلیله و دمنه (۳) خمسه (۴) پنج‌گنج

پاسخ: گزینه «۲» «کلیله و دمنه» از کتاب‌های عظیم ادبی دوره «ساسانی» است که در زمان انوشیروان توسط «برزویه طبیب» از زبان سانسکریت به پهلوی ساسانی برگردانده شده است. اصل این کتاب در زبان سانسکریت «پنج‌تَنتره»، یعنی پنج‌باب بوده است. در دوره اسلامی «ابن‌المقفع» آن را به عربی ترجمه کرده و اشعاری را به آن اضافه کرده است. در زمان نصر بن‌احمد سامانی (۳۰۱ تا ۳۳۱ ه. ق.)، این کتاب به صورت نثر از عربی به فارسی برگردانده شد و همین ترجمه منثور بوده که در سال ۳۲۰ ه. ق.، «رودکی» آن را به نظم درآورد.



درسنامه (۲): ادبیات ایران پس از اسلام و اولین شاعران پارسی‌گوی



سبک‌های ادبی ایران

ادبیات ایران پس از اسلام دارای ۴ سبک ادبی عمده می‌باشد. این سبک‌ها با توجه به زمان و محل آغاز آن دوران نام‌گذاری شده‌اند:

۱- سبک خراسانی

آغاز این سبک از خراسان و **ماوراءالنهر** بوده است و به همین دلیل «سبک خراسانی» یا «سبک ترکستانی» نامیده می‌شود. این سبک کمی قبل از قرن چهارم هجری آغاز شده و تا قرن ششم هجری رواج بسیار داشت. سبک شاعران عهد سامانی و غزنوی، سبک خراسانی بوده است. اشعار این سبک بیشتر «قصیده» هستند و شاعران بیشتر برای مدح پادشاهان از این قالب شعری استفاده می‌کردند. در این دوره اشعاری در قالب‌های قطعه، غزل، رباعی و مثنوی نیز گفته شده است. از خصوصیات مهم این سبک می‌توان به سادگی و صراحت آن‌ها اشاره کرد. آثار این دوره ساده، روان و عاری از ترکیبات دشوار و صنایع لفظی بوده و از لحاظ معنی نیز دارای صداقت و صراحت لهجه، تعبیرات و تشبیهات ساده و ملموس است. اشعار دوران سامانی، به واسطه این سادگی و روانی ستوده شده است.

واژه‌ها و اصطلاحات عربی در سبک خراسانی بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته است و آیات و احادیث هنوز به‌طور جدی وارد ادبیات نشده است. مضمون بیشتر اشعار این سبک، وصف طبیعت، مدیحه، شرح فتوحات پادشاهان و گاه پند و اندرز بوده است. پادشاهان و فرمانروایان در این دوره توجه بسیاری به شاعران داشتند و به همین دلیل در آثار این دوره امیدواری و خوش‌بینی بسیاری وجود دارد. شاعران این سبک از اصطلاحات عرفانی استفاده نمی‌کردند و معنی ظاهری کلمات، مورد نظر آن‌ها بود. آن‌ها از خیال‌پردازی دوری می‌کردند و توجه بسیاری به مسائل واقعی داشتند. تکرار افعال و کلمات در این دوره عیب محسوب نمی‌شده، در حالی که در دوره‌های بعد از تکرار کلمات و افعال دوری می‌کردند. در نثر حرف اضافه را قبل و یا بعد از اسم به‌کار می‌بردند، مانند: به کار اندر. و از کلماتی مانند «ندر» به جای «در» و «یدر» به جای «اینجا» استفاده می‌کردند.

از صاحبان سبک خراسانی می‌توان به شاعران زیر اشاره کرد:

رودکی، فردوسی، ابوالحسن شهید بلخی، ابوشکور بلخی، کسایی مروزی، دقیقی توسی، عنصری بلخی، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، ناصر خسرو، فخرالدین اسعد گرگانی، مسعود سعد سلمان، امیر معزی و منجیک ترمذی.

کلمه مثال ۱۱: «سبک ترکستانی» که بیشتر اشعار این سبک «قصیده» می‌باشند، نام دیگر کدام سبک ادبی ایران است؟

- ۱) سبک خراسانی ۲) سبک عراقی ۳) سبک هندی ۴) بازگشت ادبی

پاسخ: گزینه «۱» «سبک خراسانی» را «سبک ترکستانی» نیز نامیده‌اند. آغاز این سبک از خراسان و ماوراءالنهر بوده است و به همین دلیل با نام «سبک خراسانی» شناخته شده است. اشعار این سبک بیشتر «قصیده» می‌باشند. در این دوره اشعاری در قالب‌های قطعه، غزل، رباعی و مثنوی نیز گفته شده است.

۲- سبک عراقی

سبک عراقی از قرن ششم هجری آغاز شده است و تا قرن نهم هجری رواج و ادامه داشته است. در سبک عراقی، قالب شعری «غزل» بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و جایگزین قصیده شده است. سادگی و روانی و استحکام موجود در سبک خراسانی، در این دوره جای خود را به لطافت و تشبیهات و تعبیرات و کنایات زیبا و تازه و در عین حال دقیق و باریک داده است. در سبک عراقی، کاربرد واژه‌های عربی افزایش پیدا کرد و حتی برخی استفاده از واژگان عربی را افتخار و برتری می‌شمردند. در این دوره مضامین اخلاقی و تربیتی و پند و اندرز جای مباحث مبالغه‌آمیز را گرفت و شاعران به بیان احساسات شخصی خویش پرداختند. همچنین از قرن ششم به بعد، سرودن اشعار مذهبی در مدح اولیای دین رواج پیدا کرده است. افکار صوفیانه و عرفانی در این دوره وارد شعر شد. «سنایی غزنوی» اولین کسی بود که به‌طور جدی مضامین عرفانی را به شعر وارد کرد. اشعار «عطار» در قرن ششم، شعر عرفانی را به اوج کمال رسانده است. اشعار «مولوی» در «مثنوی مولوی» را شاهکار آثار عرفانی می‌دانند. «ابوالفرج رونی»، «سید حسن غزنوی» و «جمال‌الدین اصفهانی» از آغازگران سبک عراقی و «سعدی» و «حافظ» از نمایندگان این سبک به‌شمار می‌روند. از دیگر صاحبان سبک عراقی می‌توان به شاعران زیر اشاره کرد:

انوری، خاقانی، قطران تبریزی و نظامی گنجوی.

۳- سبک هندی

عده‌ای از شاعران پارسی‌گو به علت عدم توجه پادشاهان صفوی به دربار گورکانیان هند کوچ کردند؛ به همین دلیل این دوره «سبک هندی» نام گرفت. این سبک در ایران، هندوستان، و افغانستان رواج داشت و برخی آن را «سبک اصفهانی» نیز نامیده‌اند. سبک هندی از قرن نهم هجری آغاز شد و تا قرن سیزدهم رونق داشت.

در سبک هندی، قالب شعری «غزل» بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. شاعران این دوره به تک‌تک بیت‌های غزل اهمیت بسیار داده‌اند، به‌طوری که از این سبک تک‌بیتی‌های نغز و دلاویزی برجای مانده و اغلب صورت ضرب‌المثل پیدا کرده‌اند. از ویژگی‌های این دوره، زیاده‌روی در به‌کاربردن تعبیرات، تشبیهات، کنایات ظریف و دقیق و باریک، ترکیبات و معانی پیچیده و دشوار است. در سبک هندی، کاربرد واژه‌ها و الفاظ بازاری و عامیانه افزایش پیدا کرد. شاعران سبک هندی توجه بسیاری به مضامین بکر و تازه در هر بیت داشتند و معمولاً مضامین را با دقت خیال و احساساتی رقیق همراه می‌کردند.

کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، صائب تبریزی، طالب آملی و بیدل دهلوی از شاعران سبک هندی بودند.

کجه مثال ۱۲: «غزل‌سرایان» معروفی چون «حافظ» و «سعدی» صاحب کدام سبک ادبی ایران هستند؟

- (۱) سبک هندی (۲) سبک خراسانی (۳) سبک عراقی (۴) سبک اصفهانی

پاسخ: گزینه «۳» «سعدی» و «حافظ» از نمایندگان «سبک عراقی» به شمار می‌روند که آن را به اوج رسانده‌اند. «سبک اصفهانی» نام دیگر «سبک هندی» است که در ایران، هندوستان و افغانستان رواج داشت.

کجه مثال ۱۳: کدام یک از صاحبان «سبک هندی» نیست؟

- (۱) کلیم کاشانی (۲) عرفی شیرازی (۳) صائب تبریزی (۴) ابوالفرج رونی

پاسخ: گزینه «۴» «کلیم کاشانی»، «عرفی شیرازی»، «صائب تبریزی»، طالب آملی و بیدل از صاحبان «سبک هندی» می‌باشند. «ابوالفرج رونی» را یکی از آغازگران «سبک عراقی» دانسته‌اند.

۴- بازگشت ادبی

زیاده‌روی در پیدا کردن مضامین بکر و تازه، جمعی از شاعران و سخنوران را بر این عقیده داشت که بهتر است سبک‌های خراسانی و عراقی را مورد توجه دوباره قرار دهند. این سخنوران در شهرهای اصفهان و شیراز انجمن ادبی تشکیل دادند و این دوره «بازگشت ادبی» نام گرفت. سبک بازگشت ادبی از اواسط قرن دوازدهم هجری آغاز شد و در دوران قاجار بسیار مورد توجه قرار داشت. در این دوره شاعران بر مبنای سبک‌های خراسانی و عراقی شعر می‌سرودند و بسیاری از شاعران قرن دوازدهم و دوره قاجار در قالب قصیده و به سبک خراسانی شعر گفته‌اند. دوره بازگشت ادبی به دو بخش اصلی تقسیم‌بندی شده است:

- بخش اول، دوره‌ای است که از اواسط قرن دوازدهم هجری آغاز شد و تا اوایل قرن سیزدهم ادامه داشت. در این بخش، سخنوران بیشتر از سبک عراقی، یعنی گویندگان قرن‌های ششم، هفتم و هشتم هجری پیروی می‌کردند و غزل، قصیده و مثنوی می‌سرودند.
- بخش دوم، دوره‌ای است که از اواخر نیمه اول قرن سیزدهم آغاز شد و تا عصر حاضر ادامه یافته است. در این بخش، سخنوران علاوه بر آنکه به آثار گویندگان قرن‌های ششم، هفتم و هشتم هجری توجه داشتند، بیشتر از سبک خراسانی پیروی می‌کردند و سبکی مخلوط را پدید آوردند. از سخنوران دوره بازگشت ادبی می‌توان به این شاعران اشاره کرد: **وصال شیرازی، عبدالوهاب نشاط، سروش اصفهانی، فروغی بسطامی، قآنی شیرازی و محمودخان ملک‌الشعرا.**

قالب‌ها و آرایه‌ها

تعریف شعر: شمس قیس رازی شعر را «در عرف منطقی کلام مخیل و در عرف متأخران کلام موزون مقفی تعریف می‌کند».

قالب‌های شعری

مثنوی

مثنوی، قالب شعری است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد و برای سرودن داستان‌ها و مطالب طولانی مناسب است؛ به عبارت دیگر شعری است که قافیه در دو مصراع هر بیت وجود دارد. شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، هفت اورنگ جامی، حدیقه‌الحقیقه سنایی، مثنوی مولوی، بوستان سعدی، منطق‌الطیر عطار از مثنوی‌های معروف هستند.

قصیده

در لغت، قصیده به معنای مقصود و قصدشده است. قصیده شعری است که مصراع اول و مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند و تعداد ابیاتش معمولاً بیش از پانزده بیت است. قصیده‌هایی تا ۲۰۰ بیت هم وجود دارد. قصیده برای موضوعاتی مانند مدح و ستایش یا نکوهش، پند و حکمت و یا مسائل اجتماعی، اعتقادی، دینی، عرفانی و سیاسی استفاده شده است. بعضی از اجزای تشکیل‌دهنده قصیده عبارت‌اند از:

- ۱- **تغزل یا تشبیب:** مقدمه قصیده که با مضامینی مثل عشق یا توصیف طبیعت همراه است را تغزل، تشبیب یا نسیب می‌نامند. برخی قصیده‌ها تغزل ندارند.
- ۲- **تخلص:** رابط میان تغزل و تنه اصلی قصیده است. تخلص در قصیده به معنی گریز زدن و منتقل شدن از پیش‌درآمد به اصل مقصود قصیده می‌باشد. این تخلص با معنی دیگر «تخلص»، یعنی آوردن نام و شهرت شعری شاعر در شعر متفاوت است.
- ۳- **تنه اصلی:** مقصود اصلی شاعر است با محتوایی چون مدح، رثا، پند و اندرز، عرفان و حکمت و ... بیت اول قصیده و یا غزل را «مطلع» و بیت پایانی را «مقطع» می‌گویند.

قطعه

قطعه قالب شعری است که مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند. مضمون قطعه غالباً پند و اندرز است. به دلیل آنکه قطعه گویی بخشی یا قسمتی از یک قصیده است، آن را قطعه نامیده‌اند. انوری، ابن یمن و پروین اعتصامی از قطعه‌سرایان معروف‌اند.



مدرسان شریف

فصل چهارم

«تاریخ ادبیات جهان»

درسنامه (۱): ادبیات کهن جهان



ادبیات آشوری و بابلی (بین‌النهرین)

قدیمی‌ترین ادبیات جهان را مربوط به مردمی می‌دانند که در کرانه‌های رودخانه نیل و دجله و فرات زندگی می‌کردند و شامل مصری‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و ایرانی‌ها می‌باشند. این مردمان در ادبیات کهن جهان نقش بسیار مهمی داشته‌اند و «اسطوره» یکی از ارکان ادبیات آن‌ها به‌شمار می‌رود. آشوری‌ها و بابلی‌ها دو قوم قدرتمند بودند که هر یک در دوره‌هایی رهبری بین‌النهرین را بر عهده داشتند. دوره طلایی ادبیات آشوری - بابلی را میانه قرن هفتم قبل از میلاد دانسته‌اند. «آشوربانی‌پال» کتابخانه‌ای بزرگ بنا نهاده بود که در آن خشت‌نوشته‌هایی به خط میخی قرار داشت که شامل موضوعاتی مانند گزارش‌ها، اسناد رسمی، اساطیر، حکایات، سرودهای نیایش، امثال و افسانه‌های عامیانه، تاریخ نبردها، آوازه‌ها و اوراد بود. باستان‌شناسان قصه‌ای عاشقانه را روی کتیبه بابلی یافته‌اند که شبیه قصه «قیس‌بن‌الملوح»، یعنی داستان «لیلی و مجنون» است. اما در قصه بابلی، «لیلی» و «قیس» با هم ازدواج می‌کنند که گفته شده که قصه پایانی واقعی دارد. این قصه به ادبیات قرن ششم ق.م بابل تعلق دارد. یکی از الهگان معروف در اساطیر بین‌النهرین «ایشتر» یا «عشتر» نام دارد که الهه عشق، جذابیت جنسی و جنگ بود. او دختر «سین» خدای ماه و گاه دختر «آنو» خدای آسمان بود. ایشتر خواهر «شمش» بود. در افسانه بابلی او در جستجوی معشوق کشته‌شده‌اش که «تموز» یا «دوموزی» نام داشت به جهان زیرین رفت و پیروزمندانه به زمین برگشت. سومری‌ها او را «اینانا» می‌نامیدند. در اساطیر بابلی و آشوری، «شمش» خدای خورشید و داور زمین و آسمان بود. او فرزند «سین» خدای ماه بود و سومری‌ها او را «آتو» می‌نامیدند.

- حماسه گیلگمش

حماسه گیلگمش سروده حدود ۲۰۰۰ ق.م. به ماجرای جستجوی انسان برای پیدا کردن معنای زندگی و تلاش بی‌پرده‌اش برای گریز از مرگ می‌پردازد. «گیلگمش» قهرمانی است نیمه‌خدا، فرزند الهه‌ای به نام «نینسون» و کاهنی از شهر اوروک که موجودی فناپذیر است. او دو سوم وجودش ایزدی و یک سومش انسانی است. حماسه گیلگمش با ذکر کارها و پیروزی‌های قهرمان آغاز می‌شود، به‌گونه‌ای که او را مردی بزرگ در پهنه دانش و خرد معرفی می‌نماید. او می‌توانسته توفان را پیش‌بینی کند. مرگ «انکیدو» دوست صمیمی گیلگمش او را بسیار منقلب می‌کند و پا در سفری طولانی برای جستجوی جاودانگی می‌گذارد. در نهایت پس از تلاش‌ها و نبردهای بسیار در جستجوی جاودانگی به خانه بازمی‌گردد و آنچه بر او گذشته است را بر گل‌نوشته‌ای ثبت می‌کند. روایت کهن این منظومه در میانه قرن هفتم ق.م شامل ۳۴۵۰ بیت بوده است که در دوازده لوحه بزرگ در کتابخانه آشوربانی‌پال در نینوا قرار داشت. در حال حاضر تنها ۱۵۰۰ بیت از آن منظومه به‌طور کامل یا ناقص بر حدود ۳۰۰۰۰ لوحه مختلف به‌صورت سالم یا شکسته باقی‌مانده است. برخی از این لوح‌ها به سومری و برخی به بابلی قدیم و حتی شماری به آکدی می‌باشد.

آرورو (Aruru) ایزدبانوی آفرینش و آفریننده انکیدو است.

انکیدو (Enkidu یا Ebani) آفریده‌ای از گل و روان ایزدان است که سرشت انسانی داشت. او موجودی است توانمند اما جانورخوی که کنایه از انسان ابتدایی است. خوم به به (Khumbaba) یکی از ایزدان طبیعی به اعتقاد مردم عیلام، آناتولی و یا سوریه بوده است. او نگهبان جنگل سدري است که «ارنينا» در آن زندگی می‌کند، او از گیلگمش و انکیدو شکست می‌خورد و کشته می‌شود. ارنينا (Irnina) نام سومری الهه ایشتر است و او را الهه آسمان‌ها و نگهبان شهر اوروک می‌دانستند. در بخشی از منظومه، داستان دل‌دادگی او به گیلگمش آمده است.

اوروک (Uruk) شهر قدیم سومری است که مربوط به ۲۳۰۰ ق.م بوده و در جنوب بابل می‌باشد.

آنو (Anu) ایزد سومری، پدر خدایان و خداوندگار تارک آسمان‌ها بوده است.

- افسانه تیامت

«افسانه تیامت» مجموعه اشعاری در وصف آفرینش جهان است. این افسانه درباره «تیامت»، اولین مادر عالم و «آپسو»، اولین پدر عالم می‌باشد که با همدیگر اولین سلسله خدایان را تشکیل دادند. آپسو Apsu یعنی اقیانوس، در آغاز پدر همه چیز بوده و «مردوک»، ایزد رعد و برق و خدای شهر بابل پس از تشکیل امپراتوری بابل در رأس خدایان قرار گرفت. او بر الهه تیامت پیروز می‌شود و او را می‌کشد.

- آدایا و باد جنوب

«آدایا و باد جنوب» افسانه عامیانه‌ای است که در حدود ۱۵۰۰ ق.م پدید آمده است و درباره ماهیگیری است که در حال خشم، بال‌های باد جنوب را می‌شکند. او به درگاه ایزد بزرگ «آنو» خوانده می‌شود و می‌تواند به‌خوبی از خود دفاع کند و موفق شود.

- سرودها و دعاهای بابلی

«سرودها و دعاهای بابلی» که به‌جا مانده‌اند، دارای تاریخ‌های گوناگون هستند، مانند: اشعار «بر من رحمت آور»، «جز تو خدایی نیست تا راه راست را نشان دهد» و «نوری از بهشت».

کج مثال ۱: کدام یک از آثار ادبیات آشوری و بابلی (بین‌النهرین) نیست؟

- ۱) افسانه تیامت ۲) کتاب مردگان ۳) آدایا و باد جنوب ۴) حماسه گیلگمش

پاسخ: گزینه ۲ «افسانه تیامت، آدایا و باد جنوب و حماسه گیلگمش» از آثار باقی‌مانده از ادبیات آشوری و بابلی (بین‌النهرین) می‌باشند. «کتاب مردگان» یا (مردنامه) یکی از مهم‌ترین متون مصریان کهن و نمونه‌ای از «ادبیات مذهبی» آن‌ها است.

کج مثال ۲: روایت «حماسه گیلگمش» تلفیقی از کدام تمدن کهن است؟

- ۱) آشوری - بابلی ۲) ایران - بین‌النهرین ۳) سومری - آکدی ۴) آکدی - آشوری

پاسخ: گزینه ۴ «این حماسه از آثار کهن ادبیات دوران تمدن باستان است که در منطقه بین‌النهرین شکل گرفته است. قدیمی‌ترین متون مرتبط به آن به زبان سومری است. از این حماسه نسخه‌هایی به زبان‌های آکدی، بابلی و آشوری موجود است.

ادبیات مصر

بیشتر آثار ادبی کهن مصریان از بین رفته است و آنچه باقی مانده است مربوط به اهرام، مقابر، ستون‌ها، لوح‌های سنگی و پاپیروس‌نوشته‌ها می‌باشد. اولین نوشته‌های مصری، مربوط به حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد بوده است که بر روی سنگ‌ها به‌وجود آمد اما نوشته‌هایی که تا امروز یافت شده است، مربوط به حدود ۳۷۰۰ تا ۲۰۰ ق.م. می‌باشد. از زمانی که «ژان شامپولین» فرانسوی توانست خط «هیروگلیف» را شناسایی کند و «لوح روزتا» (Rosetta Stone) خوانده شد، راه برای شناخت ادبیات کهن مصری گشوده شد.

در مصر باستان «رع»، خدای خورشید و آفریننده جهان و انسان بود. او پسر «نوت» الهه آسمان بود و پدر خدایان و پدر شاهان بود. رع را به‌صورت شیر، گربه و شاهین مجسم می‌کردند که معمولاً قرص خورشید را بر بالای سر داشت و گاه با پیکری ترکیبی از سر انسان و بدن شیر که «اسفنکس» یا «ابولهل» نامیده می‌شد، نشان داده می‌شد. این موجود که مذکر و نماد رع بود، اغلب فرعون فرمانروا را مجسم می‌کرد. بعدها «آمون» یکی از خدایان مصری که خدای زندگی و باروری در منطقه طیوه بود را با «رع» یکی دانستند و آن را با عنوان «آمون - رع» پرستیدند. آمون، ایزدانویی به نام «موت» را به همسری برگزید و صاحب فرزندی به نام «خُنسو» خدای ماه شد. برخی از فرعون‌های مصر، «رامسِس» نامیده می‌شدند که به معنای «پسر رع» بود.

آزیریس: خدای جهان زیرین و فرزند ارشد «گب»، زمین و «نوت»، آسمان بود. او همسر «ایزیس» بود و به دست برادرش «سِت» کشته شد و تکه‌های بدنش در چهار گوشه زمین پراکنده شد. او دوباره توسط همسرش زندگی یافت و فرمانروای جهان مردگان شد. تاج سفید نماد اوست.

ایزیس: دختر «گب»، زمین و «نوت»، آسمان، همسر و خواهر «آزیریس» و مادر «هروس» بود. او الهه طبیعت و باروری بود و سپس مظهر پاکی و ارزش اخلاقی شد. آنویس: پسر «آزیریس» و خدای گورستان‌ها بود. اغلب به‌صورت انسانی با سر شغال تجسم پیدا می‌کرد و مصری‌ها عقیده داشتند او در جریان مومیایی کردن از جسد نگهبانی می‌کند.

هروس: فرزند «آزیریس» و «ایزیس» بود. او فرمانروای آسمان بود و فرعون تجلی زمینی هروس تلقی می‌شد.

سِت: برادر «آزیریس» و خدای شر و آشوب بود. او ازیریس را کشت اما از «هروس» پسر ازیریس شکست خورد.

- تعالیم پتاح حوتپ

«تعالیم پتاح حوتپ» که آن را کهن‌ترین کتاب جهان می‌دانند، نمونه‌ای از «ادبیات حکمی» مصریان است. این تعالیم بر طومار پاپیروسی نوشته شده و متعلق به حدود ۲۵۰۰ ق.م می‌باشد. مجموعه‌ای از اندیشه‌های روشن‌بینانه که در مورد مسائل رایج در جامعه است.



- کتاب مردگان (مرده‌نامه)

«کتاب مردگان» (مرده‌نامه) یکی از مهم‌ترین متون مصریان کهن و نمونه‌ای از «ادبیات مذهبی» آن‌ها است و مضمون اصلی آن بیان چگونگی رسیدن انسان به زندگی جاوید است و شامل سرودهای نیایش و احکام و دعاها می‌شود.

از دیگر سرودهای نیایش مشهور مصریان: «سرود جشن انتف» و «آواز برای نفر حوتپ».

- اولین قصه‌های عامیانه

اولین قصه‌های عامیانه از مصریان کهن به‌جا مانده است. نمونه‌ای از این قصه‌ها عبارت‌اند از: «تصرف یافا، شاهزاده محکوم، قصه‌های جادوگران، ارباب و برده، تبعید سینوهه، حکایت دو برادر، ملوان کشتی شکسته و داستان ستنا».

- ای یار، تنها نفس توست

«ای یار، تنها نفس توست» نمونه‌ای از «ادبیات و اشعار عاشقانه» مصریان کهن است. اشعار عاشقانه قابل توجهی از مصریان باستان باقی‌مانده است.

- حماسه پنتا - اور

«حماسه پنتا - اور» نمونه‌ای از «منظومه‌های حماسی» مصریان و تنها نمونه دقیق باقی‌مانده از ادبیات حماسی کهن مصر است. این حماسه درباره پیروزی «رامسس دوم» از فراغنه مصر باستان بر قوم «حتیها» است.

(هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

کدام حیوان با آنوبیس، نگهبان قبور در ارتباط است؟

(۴) مار

(۳) شاهین

(۲) شغال

(۱) سگ

پاسخ: گزینه «۲» مانند دیگر ایزدان مصری، آنوبیس هم صورت حیوانی داشته و هم انسان‌واره بوده است. آنوبیس با سر شغال یا سگ وحشی (این‌که کدام مورد دقیق است، مشخص نیست) تصویر می‌شد. به هر صورت آنچه که مشخص است این است که گوشت‌خواربودن جانور مدنظر بوده است. شاید مصریان باستان از مشاهده این قبیل جانوران در کناره صحرا و رابطه صحرا با مومیایی به این قرینه دست یافته باشند. به هر صورت او اکثراً به صورت سگ‌سانی سیاه‌رنگ یا انسان‌واره‌ای با سری سگ‌سان و سیاه و در موارد معدودی (معبد رامسس دوم در اسی دوس) کاملاً شبیه انسان به تصویر کشیده شده است.

کدام مثال ۴: در باور مصریان ایزدبانوی آسمان و ایزد زمین به ترتیب چه نامیده می‌شدند و دارای چه مشخصه‌ای بودند؟ (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۱) نوت - گب، خواهر و برادر به‌هم‌چسبیده

(۲) آمن اوفیس - هوروس، به شکل اسفنجس - کاهنی با اورنگ پادشاهی

(۳) هوروس - آمن اوفیس (Amenophis) قوش و انسانی با سر شاهین

(۴) گب - نوت، دایره (گردونه) مثلث (هرم)

پاسخ: گزینه «۱» نوت از ایزدان نه‌گانه مصر باستان (هلیوپولیتان‌ها) است که او خواهر هم‌زاد گب بود. گب ایزد زمین و پایگاه مادی جهان بود.

کدام مثال ۵: نمادهای سلطنتی عصا و خرمن کوب و تاج سفید در تمدن مصر باستان متعلق به چه کسی است؟ (هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

(۴) اوزیریس

(۳) نوت

(۲) نوت

(۱) هوراس

پاسخ: گزینه «۴» عصا، خرمن کوب و تاج سفید از نمادهای «اوزیریس»، ایزد زندگی پس از مرگ در اساطیر مصری است.

درسنامه (۲): تمدن‌های شرق

ادبیات هند

در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، دسته‌ای از اقوام آریایی از شمال غرب به هندوستان مهاجرت کردند و با بومی‌های آن منطقه درآمیختند. تا پیش از پیروزی داریوش هخامنشی بر آن منطقه اطلاع دقیقی از تاریخ و تمدن آن‌ها در دست نیست اما آن‌ها در ادوار پیش از تاریخ، تمدنی بسیار کهن داشته‌اند. «بودا» (۵۶۳ تا ۴۸۳ ق.م) در اعتقادات آن‌ها تحولات بسیاری به وجود آورد.

در اوایل گسترش آیین بودایی، او را با نمادهای مختلف مانند «شیر» مجسم می‌کردند اما از قرن اول میلادی در هند شمالی و سپس در دیگر مکان‌ها تجسم انسانی او معمول شد.

در آیین بودایی «بدی ستوه» کسی است که با جوهر خرد و دانایی به مقام «نیروانا» واصل خواهد شد.

در کیش «هندو» سه خدای «برهما»، «ویشنو» و «شیوا» تثلیث هندویی (تریمرتی) را تشکیل می‌دهند. «برهما» خدای خالق، «ویشنو» خدای خیرخواه و محافظ و «شیوا» خدای انهدام و احیای بعد از آن است.

«گریشنا» تجلی «ویشنو» در عصر سوم جهانی است. او مظهر خوشبختی و عشق و نابودکننده اندوه و رنج به‌شمار می‌آید. افسانه زندگی او در «حماسه مهابهاراتا» آمده است.

در هند حقیقت مطلق با نام «آتمن» و وهم با نام «مایا» شناخته می‌شود.

کلمه مثال ۶: در اساطیر هند، «برهما» و «ویشنو» به ترتیب چه وظیفه‌ای دارند؟

- (۱) آفرینش و محافظت کائنات
(۲) محافظت کائنات و آفرینش
(۳) نظارت بر نظم کائنات و انهدام گیتی
(۴) خردورزی، نظارت بر حرکت و نظم کائنات

پاسخ: گزینه «۱» شیوا، ویشنو و برهما سه خدای هندوها (تریمرتی) را تشکیل می‌دهند. شیوا که به صورت زنی با سه چشم نقش زده می‌شود، خدای فنا و هلاکت و نیز خدای تولد و تناسل است. ویشنو، ایزد خیرخواه و محافظ در دین هندو است و نقشش در هنر هندی اغلب با لوتوس (گل نیلوفر) همراه می‌شود. برهما نیز خدای خلقت و آفریدگار کل است که او را به صورت پادشاهی با چهار سر نقش می‌کنند.

کلمه مثال ۷: در فلسفه هند (ودانتا) حقیقت مطلق و مظاهر تخیلی (وهم) به ترتیب چه نامیده می‌شوند؟

- (۱) مایا - آتمان
(۲) آتمان - مایا
(۳) کارما - پرامانا (Pramana)
(۴) ادارما (adharma) - دارما (dharma)

پاسخ: گزینه «۲» ودانتا مکتبی است که به بیان وحدت وجود می‌پردازد. رهایی در این مکتب نیل به حقیقت روح خداوندی است. بر پایه عقاید پیروان این مکتب روح خداوندی در همه جا جاری است و درک کثرت ناشی از جهالت حاکم بر روح انفرادی (آتمان) است. در نگاه بعضی متفکران یک روی سکه، آفرینش و یا توهم آفرینش مایا است. مایا مفهومی پیچیده است که به افسون و جادو اشاره دارد.

در دوران متأخر هندوئیسم، برای سه خدای اصلی، سه الهه در مقام همسر و نیروی خلاقه (شاکتی) پدید آمده‌اند: «ساراس واتی» یا «واچ» نیروی خلاقه و همسر برهمن؛ «شری لاکشمی» یا «رادها» نیروی خلاقه و همسر ویشنو؛ «اوما» و «دورگا» یا «کالی» نیروی خلاقه و همسر شیوا.

در قرن چهارم میلادی «تنتریسم» در هند پدیدار شد. این آیین مبتنی بر اصل باروری زن و وصلت نیروهای مذکر و مؤنث بود. در قرن ششم تنتریسم در آیین‌های بودایی چین و هند رسوخ کرد. این آیین، مراسم عبادی، فلسفه، عرفان، اخلاقیات، هنر و ادبیات هند را تحت تأثیر قرار داد. پرستش الهه مادر که یکی از باورهای کهن مردم بومی سرزمین هند و آسیای باختری بود، در تنتریسم به صورت «مادر الهی» درآمد و مفاهیم پیچیده و رمزآمیزی از عشق جسمانی و آمیزش جنسی با آن آمیخته شد. به عبارت دیگر «تانترا» روش استفاده مادیات برای رسیدن به معنویات است. این آیین مقام زن را بالاتر از مرد می‌داند، البته مراد برتری اجتماعی نیست، بلکه حالت روحانی و سطح آگاهی بالاتری برای زن قائل است.

بیشترین بخش ادبیات کهن هند به کهن‌ترین زبان آریایی، یعنی «سانسکریت» نگارش یافته است. ادبیات هندی همچنین به دو بخش مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌شود.

- آثار مذهبی

آثار مذهبی ادبیات کهن هند به صورت شعر و نثر موجود است. کهن‌ترین آثار ادبی مقدس هندی که منظوم می‌باشند، در «وداهای چهارگانه» (کتاب‌های دانش) هستند. واژه «ودا» به معنی دانش است. وداهای چهارگانه عبارت‌اند از:

۱- «ریگ‌ودا» مجموعه‌ای است مشتمل بر ۱۰۲۸ سرود نیایش در ستایش خدایان گوناگون طبیعت که بیشترشان هویت مشخصی ندارند. مذهب غالب در ریگ‌ودا آیین وحدت وجودی هندوست و موضوع اصلی پرستش «برهما»، یعنی ایزد قائم‌به‌ذات جاودانی می‌باشد. برجسته‌ترین شعر این مجموعه «سرود آفرینش» نام دارد.

۲- «سام‌ودا» یا «کتاب آهنگ‌ها» شامل مناجات و آداب مذهبی است و بیشتر تکرار سرودهای ریگ‌ودا می‌باشد.



۳- «جورودا» یا «کتاب نیایش‌ها» مشتمل بر مناجات، آداب مذهبی و تکرار ریگ‌وداست.

۴- «ثروودا» یا «کتاب جادو» شامل سرودهای نیایش، به‌ویژه طلسمات، وردها و جادوگری است. این کتاب جدیدتر از سه ودای دیگر می‌باشد.

– آثار نثر مذهبی کهن هند

برهمنان شامل تفاسیر سرودهای نیایش و مراسم مذهبی می‌باشد که آن را کهن‌ترین نثر هندی دانسته‌اند. اوپانیشادها شامل آیین برهمن است و دارای اندیشه‌های فلسفی است. اوپانیشادها بر امرسون و شوپنهاور تأثیر گذاشته است.

– آثار غیرمذهبی

۱- منظومه‌های حماسی

«مهابهاراتا» بلندترین منظومه حماسی جهان است و شامل حدود ۲۰۰ هزار بیت در ۱۸ کتاب می‌باشد. موضوع این منظومه، نبرد است بر سر حکومت هند شمالی بین «کوروها» به معنی نماینده بدی و «پاندوها» به معنی نماینده خوبی.

«رامایانا» به معنای سرگذشت «راما» مربوط به زندگی راما و همسرش «سیتا» است.

۲- نمایش‌نامه‌ها

نمایش‌نامه‌های هندی ترکیبی از نظم و نثر و مخلوطی از لهجه‌هاست و بر رقص که جزئی از مراسم مذهبی و دینی آن‌هاست، تکیه دارد. نمایش‌نامه‌های هندی از تراژدی خالی است و در آن‌ها از مرگ‌ومیر خبری نیست و پایان خوشی دارد. «دوستی» موضوع اصلی نمایش‌نامه‌های هندی می‌باشد. «ارابه گل» و «انگشتری تقدیر» دو نمایش‌نامه کهن هندی هستند.

۳- قصه‌ها

منشأ بسیاری از قصه‌های عامیانه‌ای که در سراسر جهان به شکل‌های گوناگون وجود دارند را قصه‌های هندی دانسته‌اند.

«جانکها» مجموعه‌ای از داستان‌های تخیلی مربوط به حدود ۳۰۰ ق.م. می‌باشد. این داستان‌ها درباره ولادت‌های بودا و اوایل زندگی اوست.

«پنجه تنتره» یا «پنج‌کتاب» (ترجمه آن به فارسی در ایران «کلیله‌ودمنه» نامیده شده است) مربوط به حدود ۳۰۰ ق.م. می‌باشد. این کتاب مجموعه داستان‌هایی به زبان سانسکریت است که از قول حیوانات بیان می‌شود.

«هیتو پادشاه» یا «کتاب پندهای نیکو» و «شوکاساپتانی» یا «هفتاد طوطی» از جمله قصه‌های هندی هستند.

۴- اشعار غنایی

پیشوایان این اشعار عبارت‌اند از:

«کالیداسا» (حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلادی) اثر او «مگادوتا» (قاصد ابر) نام دارد.

«جایادیوا» (حدود ۱۲۰۰ میلادی) مهم‌ترین اثر او «گیتا گوویندا» (آواز گله گاو) است که شعری غنایی و درام‌گونه که عشق‌ورزی «کریشنا» می‌پردازد.

ادبیات چین

ادبیات چین باستان بسیار گسترده است و شامل «فلسفه، تاریخ، شعرغنایی، قصه، نمایش‌نامه و نامه‌ها» است و با آئین‌های چهارگانه «کنفوسیوس، تائو، بودا و مسیحیت» بستگی دارد.

فلاسفه معروف چین باستان

«لائو – تسه» یا «لائو – تزو» (حدود ۶۰۰ تا ۵۳۱ ق.م)

فیلسوف و حکیم چینی است. کتاب «تائو – د – جینگ»، یعنی «شیوه زندگی» را به او نسبت داده‌اند. این کتاب بنیان «تائوئیسم» (آیین ایدئالیستی و انفعالی چینی که مبتنی بر بی‌عملی یا نفی «عمل» است) است.

«کنفوسیوس» یا «کونگ‌فو – تزو» (۵۵۱ تا ۴۷۹ ق.م)

او را بنیان‌گذار ادبیات چینی دانسته‌اند. او فیلسوف و سیاست‌مدار برجسته چینی است و بزرگ‌ترین رهبر دینی چین به‌شمار می‌رود. بازگشت به حکمت پیشینیان و پیروی کردن از فضایل آن‌ها از اساس تعلیم کنفوسیوس بود. تلاش او در گردآوری حکمت باستانی چین «پنج کتاب کلاسیک» نام دارد که به وسیله خود کنفوسیوس در حدود ۵۰۰ ق.م. جمع‌آوری شده است. از کتاب‌های مهم فلسفی چین باستان می‌توان «کتاب تحولات»، «آداب‌نامه»، «کتاب تاریخ»، «کتاب چکامه‌ها»، «اساس‌نامه بهار و خزان» و «گفتارها و گفتگوها» را نام برد.

– شاعران معروف چین باستان

شعر کهن چینی (قبل از ۶۰۰ م.) قافیه‌دار بود با طول ابیات متفاوت و معمولاً چهار یا پنج هجا داشت. پس از ۶۰۰ م. ابیات هفت‌هجایی در شعر متداول شد. از جمله شاعران چین باستان می‌توان «چویوان»، «می شنگ»، «وانگ تسان»، «لیو لینگ»، «تائوچی‌ین» و «وانگ چی» را نام برد.

در اشعار چین همیشه اختصار و غنای شعر مورد توجه است. غم و شادی و هیجانات در شعر چین مستقیم بیان نمی‌شوند. برای چینیان «شعر خلسه‌ای است آنی».

– تاریخ و سفرنامه‌های چینی

از جمله تاریخ‌نویسان و سفرنامه‌نویسان معروف چین باستان می‌توان به «سوماچی‌ین» (پدر تاریخ چین)، «پان پیائو» و «فاهی‌ین» (که سفرنامه هند را نوشته است) اشاره کرد.

درسنامه (۳): ادبیات غرب باستان

ادبیات یونان

ادبیات یونان مجموعه‌ای از اساطیر به صورت حکایات و روایات درباره خدایان و قهرمانان مورد توجه در یونان باستان است. کهن‌ترین منبع ادبی این اسطوره‌ها آثار «هومر» و «هسیود» می‌باشند. در بسیاری از آثار هنری و صنایع دستی به‌جامانده از یونان باستان اشاره به این اسطوره‌ها دیده می‌شود. یونانیان باستان به «خدایان آلمپی» معتقد بودند. این خدایان بر قله آلمپ، مکانی در مرز میان مقدونیه و ساحل دریای اژه مستقر بودند و بازی‌های «المپیک» به افتخار این خدایان برگزار می‌شد. کروئوس پدر زئوس بود که به دست او سرنگون شد. هستیا، دمتر، هرا، هادس و پوزئیدون فرزندان دیگر او هستند. «زئوس» خدای خدایان و فرمان‌روای آسمان و زمین و صاحب تندر بود. رومیان باستان او را «ژوپیتر» می‌نامیدند. «پوسیدون» خدای دریاها بود و در هیئت اسب با «دیمتر» نزدیکی کرده و رومیان او را «نپتونوس» می‌نامیدند. «هفایستوس» خدای آتش و آهنگری بود. او پسر «زئوس» و «هرا» است. پسری زشت‌رو که بعدها «آفردیت» را به همسری گرفت. او خدای کوزه‌گران به‌خصوص در آتن بود. رومیان او را «وُلکانو» می‌نامیدند. او در کارگاه آهنگری‌اش با «سیکلپ‌ها» که گول‌هایی بودند که فقط یک چشم در میان پیشانی خود داشتند، کار می‌کرد.

«هرمس» خدای نیرنگ، تردستی و نگهدارنده مسافران، بازرگانان و راهزنان بود. رومیان او را «مِرکور» می‌نامیدند. «آرس» خدای جنگ و سلحشوری و پسر «زئوس» و «هرا» بود. خدایی شرور و ناجوانمرد بود که با «آفردیت» عشق ورزید و همسر آفردیت، هفایستوس از او انتقامی زیرکانه گرفت. آرس و آفردیت، پدر و مادر «آرس» خدای عشق هستند.

«آپلون» پسر «زئوس» و «لتو» و برادر دوقلوی «آرتمیس» بود که به «فبوس» به‌معنای «درخشان» ملقب بود. آپلون خدای محافظ مسافران، شبانان، گله و محصول، خدای خرد و پاک، غیب‌گویی، موسیقی، شعر و هنر، مجازات و درمان و خدای روشنایی و خورشید منطبق با «هلیوس» گول خدای آفتاب بود. «هرا» الهه زناشویی و مادری، همسر و خواهر «زئوس» بود. رومیان او را «جونو» می‌نامیدند. «آتنا» الهه حکمت و خرد حامی هنرها و خانواده و فرمانده طوفان بود. او الهه نگهبان شهر «آتن» بود که معبد مشهور «پارتنون» برایش ساخته شد. رومیان او را «مینروا» می‌نامیدند.

«آرتمیس» الهه طبیعت و شکار بود. او خواهر دوقلوی «آپلون» بود. رومیان او را «دیانا» می‌نامیدند و در آسیای صغیر، الهه باروری و در مقام «میهن مادر» بود. «هستیا» الهه آتش بود که سرپرستی خانواده‌ها را برعهده داشت. رومیان باستان او را «وستا» می‌نامیدند. «آفردیت» الهه زیبایی و عشق و باروری بود. گفته شده که از کف امواج دریا زاده شد. او مادر «آرس» بود. رومیان باستان او را «ونوس» می‌نامیدند. «دیمتر» الهه محصول و حاصل‌خیزی بود. او خواهر «زئوس» و مادر «پرسفته» بود. رومیان او را «کریس» می‌نامیدند.

کلمه مثال ۸: فرزندان زئوس از اروپا به ترتیب به چه مقامی رسیدند؟

- ۱) آپلودروس به مقام نگهبانی آتش در کوه المپ و پرومته به مقام جانشینی کرئون
- ۲) برومته به مقام نگهبانی آتش در کوه المپ و آپلودروس به مقام پادشاهی میسینی
- ۳) رادامانتوس به پادشاهی کرت و مینوس در جهان زیرین به مقام داوری
- ۴) مینوس به پادشاهی کرت و رادامانتوس در جهان زیرین به مقام داوری

پاسخ: گزینه «۴» مینوس به پادشاهی کرت و رادامانتوس در جهان زیرین به مقام داوری رسید. پرومته پسر پاپتوس و کلومنه بود.

کلمه مثال ۹: کدام شخصیت اساطیری از فرزندان کروئوس نیست؟

- ۱) پرومته
 - ۲) پوزئیدون
 - ۳) زئوس
 - ۴) هادس
- پاسخ: گزینه «۱» کروئوس در اسطوره‌های یونان، پادشاه تیتان‌ها بود. حاصل ازدواج کروئوس با رئا خواهرش به‌ترتیب هستیا، دمتر، هرا، هادس، پوزئیدون و زئوس بودند.

کلمه مثال ۱۰: در اساطیر یونان و رم پوزئیدون، هادس و زئوس به ترتیب چه مقامی داشتند؟

- ۱) فرمانده دریاها - فرمانروای زیرزمین - خدای آسمان
- ۲) خدای رودها و جنگل‌ها - فرمانروای جنگل‌ها و مرتع - خدای المپ و فرمانده کوهستان‌ها
- ۳) خدای چهارپایان و احشام - فرمانروای مرگ - خدای عقل و دانش
- ۴) خدای توفان - فرمانروای جهان مردگان - خدای خدایان

پاسخ: گزینه «۱» پوزئیدون بیشتر شهرت به خدای دریاها دارد. هادس در قرعه‌کشی با برادرانش بدترین سهم را برنده می‌شود و آن جهان زیرین یا دنیای مردگان است. زئوس هم خدای آسمان است.



مدرسان شریف

فصل پنجم

«ضمائم»

درسنامه (۱): اساطیر

اسطوره

تاکنون برای اسطوره تعریف مشخص، دقیق و پذیرفتنی برای همگان مشخص نشده است. واژه «اسطوره» معرب و برگرفته از «هیستوریا» (Historia)، در زبان یونانی و به معنی جستجو و آگاهی است. اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است و واقعه‌ای را روایت می‌کند که در زمان نخستین، یعنی زمان شگرف بدایت هر چیز رخ داده است؛ به عبارتی اسطوره تلاشی برای بیان واقعیت‌های پیرامونی با امور فراطبیعی است.

انواع اسطوره

– **اسطوره دینی:** اساطیری دارای نیروی جادویی هستند و در پرستش‌گاه‌ها و مراسم مذهبی به کار می‌رفته‌اند.
– **اسطوره خاستگاه یا علت شناختی:** که علت خیالی عادات و اشیاء را بیان می‌کنند، مانند «کیومرث» که در اساطیر ایران اولین کسی که تخت و کلاه را به وجود آورده است.

اسطوره شخصیت: تولد و کارهای برجسته یک قهرمان معروف در حاله‌ای از راز و رمز پوشیده می‌شود، مانند «زندگی زال و رستم» در شاهنامه فردوسی.
اسطوره جهان پس از مرگ: که رویدادها و چگونگی جهان پس از مرگ را به تصویر می‌کشد.
در کتاب «اسطوره بیان نمادین» اسطوره به این صورت تعریف شده است:

اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به‌طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندند. اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمان ازلی رخ داده و به‌گونه‌ای نمادین و تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوش گر هستی است.

نورتروپ فرای، منتقد ادبی معتقد بود هر یک از انواع ادبی از اسطوره‌ای خاص پدید آمده‌اند.

نظر دکتر ژاله آموزگار در مورد به‌وجود آمدن اسطوره:

– **جهل بشر؛**

– **آرزوهای دست‌نیافتنی بشر؛**

– **ضعف بشر؛ عدم توانایی حفاظت بشر از خودش در مقابل حوادث؛**

– **بن‌مایه‌های اساطیری.**

قبل از اسطوره چیزهایی وجود دارند که بن‌مایه‌های اساطیری نامیده می‌شوند. بن‌مایه‌های اساطیری، یعنی در قبایل ابتدایی به چیزهایی اعتقاد دارند؛ مثلاً به شیئی خاص یا زمان یا مکان خاصی اعتقاد دارند که نیروی خاصی دارد. آن‌ها را می‌توان «پدر اسطوره‌ها» دانست. این بن‌مایه‌ها عبارت‌اند از:

سحر

سحر عبارت است از تکرار کلمات یا انجام اعمالی که قدرت و نیروی خارق‌العاده جماد را تحت سلطه انسان در می‌آورد.

«جان ناس» در کتاب خود به ۳ نوع سحر اشاره دارد:

– **فیتیش یا فیتیشیسم** (که در زبان پرتغالی همان معنای سحر و افسون را دارد)؛ یعنی انسان اعتقاد دارد که یک شیء خاص برای او خیر و برکت می‌آورد.

– **شمنیسم** (شمن‌انوانی است که به روحانی هندی می‌دهند)؛ زمانی که به یک فرد واسطه نیازمند است تا نیروی طبیعی را به نفع انسان تغییر دهد.

– **اعمالی** مانند قربانی‌کردن و نماز باران که توسط شخص انجام می‌شود تا قوای طبیعی را به نفع خود تغییر دهد.



تابو

چیزی است که مردم از نزدیک شدن به آن و هر نوع ارتباط با آن می‌ترسند؛ مثلاً رئیس قبیله تابو بوده و افرادی غذای نیم‌خورده وی را خورده‌اند و مرده‌اند. در واقع از دید روان‌شناسی بررسی شده است که این به دلیل ترس شدید آن افراد بوده و آن ترس موجب مرگ آن‌ها شده است.

توتم

انسان‌های ابتدایی اطراف خود را دیده‌اند و گیاهان و جانوران اطراف خود را مشاهده کرده‌اند و شباهت را در زادوولد و خوردن با آن‌ها دیده‌اند و خود و اصل خود را از آن‌ها و آن‌ها را سرچشمه خود دانسته‌اند و در نتیجه آن‌ها را ستایش کرده‌اند. توتم‌های گیاهی و جانوری داریم که در ایران توتم گیاهی می‌باشد و «ریواس» بیانگر آن است.

مانا

از دیگر بن‌مایه‌های اساطیری است که همان «قدرت دینامیکی» می‌باشد که معتقدند در دنیا وجود دارد و از این جهت معتقد به یک سیستم فرمانروایی بودند. اعتقاد بر این بود که نباید مانا را عصبانی می‌کردند. امروزه، معادل آن را همان قدرت مولکولی و اتمی می‌دانند که نشان‌دهنده قدرتی دینامیک است که جهان را اداره می‌کند؛ مثلاً در مورد ایزد باد، تنها بادی که می‌وزد، نیست بلکه نیروی درون آن است که مورد نظر است و آن نیرو قادر است تا کارهایی را انجام دهد.

آنیمیسم یا جان‌گرایی

این بن‌مایه زمانی شکل گرفت که انسان‌ها متوجه شدند زمانی که به خواب می‌روند، رؤیا می‌بینند؛ پس برای خود جانی متصور می‌شوند که فراتر از جسم و فیزیک بوده، از بدن جدا شده و جاهای مختلف می‌رود. پس از مرگ افراد روان آن‌ها از جسم خارج شده و به جهان دیگر می‌رود.

اسطوره از نظر میرچا الیاده:

- ۱- اسطوره، تاریخ کارهای موجودات فوق‌طبیعی را تشکیل می‌دهد.
- ۲- این تاریخ مطلقاً راست، درست و قدسی است و اسطوره‌باوران در آن شکی ندارند.
- ۳- اسطوره همیشه به آفرینش و تکوین مربوط می‌شود و حکایت می‌کند که چگونه چیزی به‌وجود آمده است و اینکه در همه اساطیر، آفرینش چند مرحله دارد.
- ۴- شناخت اسطوره به معنای شناخت اصل اشیا و دانستن چگونگی پیدایش آن‌هاست. اسطوره معرفتی بیرونی و غیرانتزاعی نیست بلکه معرفتی است که به طریق آیینی همیشه زنده است و مانند علم نیست که در آزمایشگاه آزمایش شود بلکه مفهومی انتزاعی است.
- ۵- اسطوره همیشه به‌نوعی زنده است.

کلمه مثال ۱: کدام یک از منتقدان معتقدند که هر یک از انواع ادبی از اسطوره‌ای خاص برآمده‌اند؟
 (۱) ارنست کاسیرر (۲) میشل فوکو (۳) میرچا الیاده (۴) نور تروپ فرای (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۳)

پاسخ: گزینه «۴» به عقیده فرای هر یک از انواع ادبی از اسطوره‌ای خاص برآمده‌اند و اساساً ادبیات همان داستان‌های اساطیری هستند که فرم ادبی پیدا کرده‌اند و این الگوهای اساطیری هستند که اثر ادبی را به‌وجود می‌آورند.

کلمه مثال ۲: از نظر «میرچا الیاده» چه چیزی در هر متن و زمینه و سیاق، همواره، وحدت اساسی بسیاری از حوزه‌های عالم واقع را مکشوف و عیان می‌سازد؟
 (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۲)

(۱) امر مقدس (۲) مانا (۳) رمز (۴) امر مینوی
 پاسخ: گزینه «۳» محور نوشته‌های میرچا الیاده دو مفهوم قداست و رمز است. او می‌گوید: هر رمز در هر متن و زمینه و سیاق، همواره وحدت اساسی بسیاری از حوزه‌های عالم واقع را مکشوف و عیان می‌کند.

کلمه مثال ۳: از نظر میرچا الیاده هر چه به علت نوعی تجلی قداست مستقیماً ممتاز و متبرک نگشته، به یمن بهره‌مندی‌اش از چه چیزی مقدس می‌شود؟
 (هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

(۱) لوگوس (۲) رمز (۳) روح‌القدس (۴) زمان و مکان قدسی
 پاسخ: گزینه «۴» الیاده تقدس یا امر قدسی، یعنی جوهر مشترک همه جلوه‌های حیات و فرهنگ دینی را امری اصیل، بسیط، واحد، تحویل‌پذیر و غیرقابل تجزیه و تحویل به حقایق، امور، عناصر، تجارب و معارف دیگر می‌داند. نامقدس قلمرو اشیایی است که ما هر روز با آن‌ها سروکار داریم؛ قلمرو اشیای معمولی و غیرمهم. مراد اشیایی است که اهمیت خاص دینی برای ما ندارند. مقدس مقابل چنین اموری است. مقدس فضای امور فوق‌طبیعی و اشیای غیرعادی است. نامقدس در معرض نابودی و زوال است ولی مقدس همیشگی، اصیل و واقعی است. نامقدس صحنه‌ای از حیات بشر را دربرمی‌گیرد که تغییر می‌پذیرد و کهنه می‌شود ولی مقدس عرصه‌ای است که زنده است و ترتیب و کمال دارد. به نظر الیاده چشمه دین از همین تمایز نهادن میان مقدس و نامقدس می‌جوشد. امر مقدس عمومی‌ترین پدیده مشترک میان همه ادیان است. در تمام امور دینی می‌توان اثری از تفکیک مقدس و نامقدس یافت. برای فرد دین‌دار مکان هم‌گون و یکسان نیست؛ یعنی انسان دین‌دار همه مکان‌ها را یکسان تجربه نمی‌کند؛ برخی مکان‌ها برای او مقدس‌اند؛ برای مثال برای فرد مسلمان، مساجد نسبت به اماکن عمومی

تقدس خاصی دارند؛ پس مسلمان در مسجد مکان مقدس را تجربه می‌کند. از این جهت مکان برای فرد دین‌دار نامتجانس است. تفکیک امر مقدس از نامقدس در مکان هم جاری است. همچنین فرد دین‌دار زمان را به‌نحو یکسان تجربه نمی‌کند. زمان از نظر یک دین‌دار نامتجانس است. برخی زمان‌ها برخلاف دیگر زمان‌ها مقدس‌اند و دین‌دار چنین زمانی را به‌نحو مقدس تجربه می‌کند. با این تحلیل الیاده تفکیک میان مقدس و نامقدس عمومی‌ترین پدیده در تمام ادیان است و محدودیت‌های تحلیل اتو در رهیافت او وجود ندارد. اساساً از نظر الیاده این امر همان تفکیک‌نهادن میان مقدس و نامقدس است و تفاوت انسان دین‌دار و بی‌دین در همین امور می‌باشد. برای فرد بی‌دین زمان‌ها و مکان‌ها متجانس‌اند ولی برای فرد دین‌دار زمان‌ها و مکان‌ها نامتجانس و ناهمگون‌اند.

کلمه مثال ۴: از نظر میرچا الیاده در چشم‌انداز ذهنیت مردم ابتدایی، تاریخ با چه چیزی مقارن و هم‌زمان است؟
(۱) اسطوره (۲) حیات اجتماعی (۳) ساخت ابزار (۴) جهان اسرارآمیز (هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

پاسخ: گزینه «۱» میرچا الیاده از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان نامدار است. وی در رومانی به دنیا آمد. از نظر وی اسطوره نه‌تنها تاریخ مقدس یک قبیله را شکل می‌دهد بلکه مجموعه‌ای از رویدادهای عجیب و تخیلی را نشان می‌دهد. اسطوره نشان می‌دهد که جهان، انسان و حیوانات چگونه به‌وجود می‌آیند. همیشه یک «تاریخ اولیه» وجود دارد و این تاریخ «آغازی» دارد. این تاریخ مقدس اهمیت اساسی دارد؛ زیرا وجود جهان، انسان و جامعه را شرح می‌دهد. به همین دلیل است که اسطوره‌شناسی یک تاریخ واقعی دانسته می‌شود.

کلمه مثال ۵: از نظر میرچا الیاده درخت در شمایل‌نگاری و اساطیر کهن چه معنایی دارد؟
(۱) سرسبزی حیات و شریان زندگی (۲) سرچشمه حیات جاوید و نامیرایی (۳) سرافرازی و استقامت و حیات کیهانی (۴) سرچشمه پایان‌ناپذیر باروری کیهانی (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۴)

پاسخ: گزینه «۴» در کتاب تاریخ ادیان از میرچا الیاده نوشته شده درختان یا نباتات و رستنی‌ها همواره مظهر جسم زندگانی پایان‌ناپذیرند. درخت رمز کیهان است. باروری، نعمت، توانگری، بخت و اقبال و تندرستی در درختان تمرکز یافته‌اند؛ پس می‌توان در کل گفت که درخت سرچشمه پایان‌ناپذیر باروری کیهانی است. گزینه ۳ و ۲ صحیح هستند ولی در هیچ‌یک از دو گزینه به باروری اشاره‌ای نشده است.

انواع اساطیر

- ۱- **اساطیر ریشه و بن:** پرسش‌های فلسفی در مورد جهان، خاستگاه اولیه هر عقیده و آداب و آیین سرچشمه‌های جهان به اساطیر ریشه و بن مربوط می‌شوند. آفرینش در تمامی اسطوره‌ها در زمان «ازل» است و این آفرینش در چندین مرحله اتفاق می‌افتد.
- ۲- **اساطیر رستاخیزی:** با توجه به اینکه آغاز «آفرینش» است؛ پس پایانی نیز وجود دارد و یک نابودی؛ یعنی نهایتاً جهان روبه‌نابودی می‌رود. این نابودی با نشانه‌هایی همراه است، مانند: آتش‌سوزی کیهانی، ازبین‌رفتن موجودات اهریمنی، انفجار، ازدیاد جمعیت، حضور بسیار بارز شر و ...
- ۳- **اساطیر نجات‌بخشی:** کسی می‌آید تا دنیا را از وضع موجود نجات دهد و یک امید به رستگاری و پیروزی نهایی خیر بر شر وجود دارد.
- ۴- **اساطیر ایزدان، باشندگان و موجودات متعالی:** موجودات متعددی هستند که در اساطیر مظاهر طبیعت هستند و با پیشرفت به‌تدریج به مفاهیم انتزاعی تحول می‌یابند.
- ۵- **اساطیر پیامبران و قدیسان:** زندگی هر یک از قدیسان و پیامبران یا اسطوره‌ها در هاله‌ای از تقدس قرار گرفته است و سرشار از معجزه و کارهای خرق عادت است.
- ۶- **اساطیر کاهنان و شهریاران:** در تفکر باستانی، پادشاه واسطه‌ای بین خدا و مردم بوده و در نتیجه مقدس است؛ مثلاً در اسطوره‌های بابلی گیلگمش که پادشاه بوده و در پی جاودانگی است.
- ۷- **اساطیر بخت و تقدیر:** در مورد ارتباط انسان‌ها با اختران و کواکب است.
- ۸- **اساطیر باززایی و نوشدگی:** تفکر دایره‌ای؛ انسان دوباره زاده می‌شود و نو می‌گردد. این تفکر دایره‌ای از جوامع کشاورزی نشئت می‌گیرد که محصول را می‌کارند و درو می‌کنند و دومرتبه می‌کارند. همچنین می‌توان به «تناسخ» در افکار «مانویان» و «بودا» نیز اشاره کرد.
- ۹- **اساطیر پهلوانان:** در اساطیر ملل پهلوان‌هایی وجود دارند که داستان‌های شگفت و عجیبی برایشان اتفاق می‌افتد، مانند رستم و گرشاسب.
- ۱۰- **اساطیر گیاهان و جانوران:** در مورد جانوران و گیاهانی است که بعدها مقدس می‌شوند، مانند توت‌ها.

اساطیر ملل

برخی از اساطیر مصر

معمولاً خدایان مصر باستان نمادهای حیوانی دارند؛ مانند اسب، بوزینه، قوچ نر و شیر ماده. این داستان مربوط به زمانی است که مردم خود را با جانوران یکی می‌دانسته‌اند؛ مثلاً مهم‌ترین خدا که «هوروس» است، خدایی بوده است به صورت یک شاهین. گاهی اوقات یک خدا دارای دو نماد مختلف نیز بوده است. زیربنای اسطوره‌های مصر براساس درگیری و خصومت میان مصر علیا و سفلاست. زمانی که این دو بخش در جنگ هستند، خدایان آن‌ها نیز در جنگ هستند و بالعکس. «هوروس» نماد نور و روشنایی است که به مصر سفلا مربوط است و «ست» نماد ظلمت است که مربوط به مصر علیاست.



از هم‌آمیزی ایزدان زمین و آسمان ۴ فرزند پدید می‌آیند:

اوزیریس / ایزیس ست / نفتیس

اوزیریس و ست مذکر بوده و ایزیس و نفتیس مؤنث‌اند. در واقع فرزندان خدایان جفت‌جفت هستند تا با هم ازدواج کنند.

«ست» خدای ظلمت و کینه‌ورزی است و همین امر موجب کشته‌شدن اوزیریس به دست وی می‌شود. او جسد اوزیریس را درون تابوتی از جنس چوب سدر گذاشته و در رود نیل رها می‌کند. این رهاکردن در آب، المانی است که در اسطوره‌های دیگر نیز وجود دارند.

ایزیس که از این اتفاق بسیار ناراحت است، به دنبال جسد همسرش می‌رود، او را می‌یابد و با وی درمی‌آمیزد و چون از او فرزندی ندارد، از او بارداری می‌شود و فرزند آن‌ها «هوروس» است.

ست جسد اوزیریس را یافته و آن را ۱۴ قطعه می‌کند و به ۱۴ منطقه مختلف می‌فرستد که زمین آن‌ها را می‌خورد و نمادی برای باروری مصر می‌شود. اکنون هوروس به دنیا آمده و هوروس نیز به کین‌خواهی پدر برخاسته و با عمویش می‌جنگد و در حین جنگ کور می‌شود و از آنجا که خدایان باید کامل باشند با از دست‌دادن چشمانش این ویژگی خدایی را از دست می‌دهد؛ پس هوروس جسد اوزیریس را یافته و قطعات آن را کنار هم قرار می‌دهد و اوزیریس دوباره از آن‌ها ساخته می‌شود و در نتیجه اوزیریس هم چشمان هوروس را به او پس می‌دهد.

بعد از این دورانی فرا می‌رسد که دو مصر علیا و سفلا و در نتیجه ست نیز جزء خدایان خوب شمرده می‌شوند و ست با اوزیریس و هوروس متحد می‌شود. هوروس خدای مصر سفلا شده و ست خدای مصر علیا می‌شود و همچنین اوزیریس به دنیای مردگان می‌رود تا داوری آن‌ها را بر عهده گیرد.

خورشید از دیگر نمادهای بسیار مهم مصریان بوده است. تمامی فراغنه خود را فرزندان خورشید دانسته و تمامی همسران آن‌ها نیز خود را کاهنه‌های معابد خورشید دانسته‌اند؛ به همین دلیل ازدواج یک فرزند خورشید با یک کاهنه معبد خورشید، فرزندی را به‌وجود می‌آورد که خود «خدا» بوده است. فراغنه اعتقاد داشتند که اگر خورشید نباشد نمی‌توانند رعایای خود را حفظ کنند، به‌خصوص در شهر تب در مصر علیا که خدای آفتاب که لقب «آمون» را پیدا کرده بود و دارای معابد بسیار باشکوهی بوده است. همسر آمون نیز ایزدبانویی به نام «موت» بوده که بدن زن و تن کرکس داشته و خدای مادر و همسر آمون است. موت در نقاشی‌های گورستان‌های مصر با یک ترازو و یک پر تصویر شده است که به منظور وزن کردن دل مردگان برای سنجش اعمال آن‌ها بوده است.

در مصر خدای ماه فرزند خدای خورشید است؛ زیرا ماه در درجه اهمیت پایین‌تری از خورشید قرار داشته است.

خدای دیگر «پتاح» نام دارد که خالق کل است و خدایان دیگر را آفریده است و سرنوشت را تعیین می‌کند، غذا را تهیه کرده و انسان را از گل آفریده است و به این علت که مصنوعش را از گل آفریده است، او را خدای پیشه‌وران و هنرمندان نیز می‌دانند.

مصریان به دو ایزد مرتبط با مردگان اعتقاد داشتند:

- **بع** (با) که بخشی از روان انسان است که به دنبال زندگی مادی است؛ زیرا انسان پس از مرگ دوست دارد تا بازگردد و نیازهای مادی‌اش را برطرف کند، مانند نیاز به غذا و جسم سالم. زمانی که انسان ببیند جسم سالم دارد و از آب و غذا برخوردار است، خوشحال می‌شود.

- **کع** (کا) بخشی از روان انسان است که نیازهای غیرمادی و روانی دارد، مانند نیاز به خواندن یا نوشتن و به همین علت در گورستان‌ها داستان‌های زندگی افراد نوشته می‌شده است.

همچنین مجسمه‌های کوچکی وجود داشته تا روح بع و کع وارد آن‌ها شده و سرگردان نمانند. بع برای خوردن و نوشیدن و کع برای خواندن و فکر کردن بوده‌اند. نوت یا خدای آسمان ایزدبانویی بوده است که روان‌های رستگاران و مقربان را به آسمان می‌برده است. همچنین آنوبیس خدایی است که در زیر زمین بوده و مراقب روان مردگان است. در گورستان‌ها زورق‌هایی قرار می‌دادند تا با آن‌ها روان مردگان را به آسمان ببرند و دریای مشرقی نیز وجود داشته که از طریق آن روان انسان را سوار زورق کرده و روان انسان را به سرزمین مردگان می‌بردند. در بدو ورود به دنیای مردگان با موانع زیادی روبه‌رو می‌شدند و مورد داوری قرار می‌گرفتند.

برخی از اسطوره‌های بین‌النهرین

آنو خدای آسمان و خدای شهر بزرگ اِرك بود.

«**ان‌هیل**» یا «**ان‌ایل**» (تعل) در زبان آکدی درست در معادل «رب» در عربی امروزی است و در پهلوی نیز معادل آن «خودای» می‌باشد.

برای انسان باستان سه چیز مهم است: آسمان (انو)، فضای بین زمین و آسمان (ان‌هیل) و آب.

گاهی اوقات ان‌هیل خدای باد نیز است؛ چیزی که بین زمین و آسمان جاری است. جفت ان‌هیل هم «نین‌لیل» است. بعدها تمامی این خدایان مقدس در مقابل ایشتر رنگ می‌بازند.

انکی (ائه) ایزد آب است. هنگام آفرینش این خداست که قالب انسان را می‌ریزد؛ به همین دلیل دوست انسان است، از دیگرسو، مانند خدای پتاح در مصر خدای پیشه‌وری نیز هست. از آنجا که در دنیای قدیم جادوگری با آب ارتباط داشته و جادوگران افرادی خردمند بودند، خدای خرد هم محسوب می‌شده است و چون آفریننده انسان است، به انسان علاقه دارد، به همین دلیل زمانی که قرار است توفان بیاید، به اوتن‌پیشتم (نوح بابلی) خبر می‌دهد و کمک می‌کند تا تمهیدی ببیند.

سین ایزد ماه است. ششمین ایزد خوردشید است. خدای خورشید علاوه بر زندگی بخشیدن می‌تواند مرگ هم بدهد. این اسطوره مربوط به منطقه‌ای است که خشک و گرم و سوزان است.

ایشتر در بین‌النهرین نماد مادری و دوشیزگی است. باروری و حاصلخیزی از وظایف اوست. ستاره زهره را ستاره او می‌دانند و با اهمیت مردوک در زمان فرمانروایی حمورابی در بابل (به‌عنوان خدای شهر بابل) یعنی حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح کم‌کم ایشتر اهمیت خود را از دست می‌دهد.

افسانه آفرینش

در دوره‌ای که نه زمان و نه مکان وجود دارد، آشفتگی و بی‌نظمی جریان دارد، میان اژدهای دریای ظلمت، نماد دریای آشفته و دریا‌های آرام نبرد رخ می‌دهد. در رأس نبرد «تیامت» که اژدهای دریاهای شور و دریا‌های طوفانی است و در مقابل تیامت، مخالف او یا «پسو» که خدای دریای شیرین است، قرار دارند. در این نبرد، خدایان روشنایی و خدایان دریاهای شیرین از بی‌نظمی ناراضی‌اند. آن‌ها اول شکایت به تیامت می‌برند که با این اعتراض موجب خشم او می‌شوند و تصمیم به تباهی همه چیز می‌گیرند. مردوک به کمک خدایان دریاهای شیرین می‌آید و تیامت را با ترفندی شکست داده و پس از این در جهان، حرکت ستارگان، ماه، خورشید و رشد گیاهان، جانوران و انسان نظم می‌یابند.

افسانه طوفان

در ۴۰۰۰ سال ق.م که خدایان برای نابود کردن نژاد بشر باد و توفان را می‌فرستند، در رأس این تصمیم ان‌هیل قرار دارد. اما ائه که انسان را دوست دارد و ناراحت است و نمی‌تواند در مقابل تصمیم خدایان ایستادگی کند، به اوتناپیشتم می‌گوید تا کشتی بزرگی بسازد و با توفان مقابله کند. این شخص بعدها داستان خود را برای گیلگمش می‌گوید: «که کشتی‌ای ساختم و در آن از همه انسان‌ها و موجودات یک جفت را بردم و توفان تا هفت روز ادامه داشته و از کشتی تنها آب و توفان و باد دیده می‌شده است. بعد از هفت روز کوهی می‌بیند و پرنده‌گانی را می‌فرستد. تمامی پرنده‌گان باز می‌گردند و تنها یکی بر نمی‌گردد؛ پس متوجه می‌شود که جای خشکی وجود دارد و به آنجا می‌روند و ساکن می‌شوند.»

افسانه ایشتر

ایشتر که خدای بسیار مهمی است، عاشق «تموز» می‌شود. ایشتر حق ندارد عاشق خدای درجه دوم شود؛ زیرا ایشتر همیشگی است ولی تموز باید در زمستان به زیر زمین برود.

ایشتر می‌خواهد که به طلب تموز به زیرزمین برود. ایشتر به درگاه زیرزمین می‌رسد و آن‌قدر ناله می‌کند تا به او اجازه ورود دهند. او تهدید می‌کند که اگر به او اجازه ورود ندهند، تمام مردگان را به جان زندگان می‌اندازد. ایزدبانوی باروری و حاصلخیزی به زیر زمین می‌رود، همه چیز رو به خشکی می‌گذارد و از هفت دروازه می‌گذرد. ایشتر زیبا با لباس و زیورآلات زیبا از هر دروازه که عبور می‌کند، همه چیز را جا می‌گذارد، دچار ۶۰ نوع مرض می‌شود و شکنجه می‌شود تا به تموز برسد. شورای خدایان تصمیم می‌گیرند تا تموز را با ایشتر روی زمین بیاورند. زمانی که ایشتر از تمام دروازه‌ها که باز می‌گردد، دوباره تمامی لباس‌ها و زیورآلات را پس می‌گیرد، آب روی سرش می‌ریزند و بیماری‌هایش از بین می‌رود. این بار تموز همراه اوست.

افسانه گیلگمش

سرگذشت او در لوحه‌ای از ۲۵۰۰ ق.م یافت شده است. به او قدرت‌های غیرطبیعی نسبت داده و گاهی با نمرود یکی دانسته می‌شود. پس از مرگ دوست نزدیکش «انکیدو» تصمیم می‌گیرد گیاه جاودانگی را به‌دست بیاورد. اوتناپیشتم مقداری از گیاه را به گیلگمش می‌دهد. مار آن گیاه را دزدیده و کلاغ به آن نوک می‌زند. این دو به عمر طولانی نیز معروف هستند. علت این اتفاق این است که انسان نباید جاودانه شود، درواقع خدایان مار و کلاغ را فرستاده‌اند و انسان باید حتماً مرگ را تجربه کند. او به شهر خودش باز می‌گردد و دختر دریا را می‌بیند و دختر دریا او را از به‌دست‌آوردن جاودانگی منصرف می‌کند.

کدام گزینه لقب «Gilgames Epic» بوده است؟
 (۱) باکره (۲) پیام‌آور (۳) میننده (۴) دوست‌دار قهرمان
 (هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

پاسخ: گزینه «۳» جوهر حماسه گیلگمش عبارت است از چاره‌ناپذیری مرگ، یعنی انتهایی که در سرنوشت همه آدمیان است و حتی کسانی مثل او که توانا‌ترین و نامورترین فرد زمان خود است، از آن نمی‌تواند برهد. اندیشه جاودانگی ریشه‌ای کهن دارد. ابدیت والاترین آرزوی بشر انسان را به دامان خلق افسانه‌های زندگی جاوید کشانده است. کهن‌ترین اثر ادبی برجای‌مانده، یعنی حماسه گیلگمش حاوی این معنی است. جوهر حماسه عبارت است از چاره‌ناپذیری مرگ.

برخی از اسطوره‌های یونان

خدایان یونان نهایتاً موجوداتی انسانی هستند و همه به انسان‌ها شبیه بوده و به تجسم درمی‌آیند؛ خدایانی مانند انسان‌ها ولی بسیار بزرگ‌تر، زیباتر و بهتر. آن‌ها دنیایی دقیقاً مانند انسان‌ها دارند و مانند تمام آدم‌ها حسادت می‌کنند، کشمکش دارند، جدال دارند و یکدیگر را فریب می‌دهند.

- ۱- زئوس (ژوپیتر) - خدای خدایان، در رأس خدایان مذکر؛
- ۲- پوزیدون (نپتون) - خدای دریا؛
- ۳- هپا استوتس (وولکان) - خدای صنعت؛
- ۴- هرمس (مرکوری) - خدای سفر و تجارت؛
- ۵- آرس (مارس) - خدای جنگ؛
- ۶- خوئدوس (آپولون) - خدای شعر و موسیقی.
- ۱- هرا (یونو) - خدای مادر؛
- ۲- آتنا (مینرنا) - خدای خرد؛
- ۳- آرتمیس (دیانا) - خدای شکار؛
- ۴- هستیا (وستا) - الهه آتش خانوادگی (کانون خانواده)؛
- ۵- آفرودیت (ونوس) - الهه زیبایی؛
- ۶- دمتر (سرس) - الهه مادر در کشاورزی و باروری.

زئوس

زئوس پدر خدایان است. خدای آسمان‌ها و نور و روشنی دست‌نیافتنی است. وی اصولاً خدایی است هوس‌باز اما در مورد آنچه مربوط به آفرینش و نظم کلی جهان است، بسیار خردمندانه عمل می‌کند.



برای زئوس فرزندان و همسرانش اهمیت دارند. با وجود هوس باز بودن، چندهمسر نداشته است و در نهایت تنها با هرا می ماند، هر چند خطاهای بسیاری می کرده و هر بار هرا او را می بخشیده است.

هرا

حامی زنان در سه دوره است: زن در دوشیزگی، زن در دوران همسری و زن در دوران بیوگی. او الهه زناشویی و مادری است و نمونه‌ای از همسر وفادار و عاقل است. گرچه گاهی اوقات حسادتش عقل او را از بین می برد. در تندیس‌ها تاج بسیار زیبایی بر سر دارد و در دستش انار می باشد که در اساطیر یونان سمبل زناشویی است. هرا دارای ۴ فرزند است: الهه جوانی، الهه وضع حمل، هفائستوس و آرس.

آپولون

از ازدواج زئوس و لتو به وجود می آید و خواهری به نام آرتامیس دارد. او به شکل کلاغ درآمد و به مصر گریخت.

آرس

او خدای جنگ و معادل بهرام در اساطیر ایران است. آرس آشوب طلب است و به دنبال جنگ و جدال و آتش افروزی می باشد. فرزند زئوس است و داستان‌های عاشقانه‌ای با آفرودیت دارد. جنگی که آرس می خواهد با جنگی که آتنا انجام می دهد، تفاوت دارد؛ جنگ آتنا جنگ خرمندانانه است و جنگ آرس بی خردانه.

آفرودیت (ونوس)

آفرودیت به معنی «زاییده از کف» با وجود زیبایی، همسر هفائستوس می شود که زشت و لنگ بوده است. (بعد از به دنیا آمدن او، او را از کوه المپ پایین می اندازند. به دلیل این کینه، او تختی با بندهای نامرئی می سازد و برای هرا می فرستد. هرا با نشستن بر آن تخت در بندها گرفتار می شود و کسی نمی تواند او را نجات دهد. هفائستوس برای نجات او همسری آفرودیت را شرط می کند. نام دیگر او، «وولکان» است؛ زیرا معتقد بودند زمانی که او (خدای صنعت) کوره اش را روشن می کند تا کار کند، کوه آتش فشان فعالیت کرده و مواد مذاب راه می افتند.

همچنین آفرودیت خدایان کوچکی را تحت فرمان داشته که معروفترین آن‌ها «اروس» خدای عشق است که تیر عشق را به قلوب عاشقان می زده است.

آتنا

خدای عقل و خرد است و آتنی‌ها او را سمبل شهر خود می دانستند. آتنا فرزند زئوس است. قبل از به دنیا آمدن آتنا کسی پیش بینی می کند که فرزندی که به دنیا می آید، به حدی خردمند است که پادشاهی را از تو می گیرد. زئوس به شدت عصبانی می شود و فرزندش را قورت می دهد. بعد از نه ماه زئوس سردرد می گیرد و هفائستوس با تبری سر او را شکافته و آتنا از سر او بیرون می آید. علاوه بر اینکه آتنا خدای خرد و خدای جنگ خردمندانه است، ساختن کشتی و ارا به نیز به او نسبت داده می شود.

هرمس

خدای شبانان اولیه بوده است و از آنجا که شبانان معمولاً سفر می کرده‌اند، به صورت نگهبان سفر درآمد و از این جهت که معمولاً مسافران تجارت می کرده‌اند، به تدریج به خدای تجارت تبدیل می شود و از آنجا که تجارت با حرف زدن و زبان بازی جلو می رود، به تدریج خدای فصاحت، زبان‌آوری و بلاغت نیز می شود. هرمس فرزند زئوس است و مادرش «مایا» او را در غاری به دنیا می آورد تا دچار حسادت هرا نشود.

پوزیدون (نپتون)

برادر زئوس و خدای دریاها، دریاچه‌ها و رودها است. اختراع سوارکاری را به او نسبت می دهند.

هوراها

هوراها ایزد بانوهای فصل‌ها بودند.

هستیا

الهه آتش در کانون خانواده است (آتش کوچک کانون خانواده). این ایزدبانو در روم وستا نام دارد. کاهنه‌های معبد وستا هیچ‌گاه حق ازدواج نمی داشتند و باید تا آخر عمر دوشیزه می ماندند.

دمیتره (سرس)

الهه گندم و غلات است که موهای بلند طلایی دارد.

پرومته

او آگاهی را به انسان‌ها می بخشد و در نتیجه مورد خشم زئوس قرار می گیرد. زئوس او را در کوه قفقاز به بند می کشد و هر روز عقابی جگر او را می خورد و تا شب دوباره التیام می یابد. اما در نهایت از آنجا که زئوس نمی تواند پرومته بکشد، به هرکول به صورت پنهانی اجازه می دهد تا به عقاب تیری زده و شکنجه پرومته را پایان دهد. بعد از آن پرومته عمر جاودان یافته و جزء خدایان المپ می شود.

تاناتوس

تاناتوس در اساطیر یونان تجسم مرگ است.

کله مثال ۷: اختراع سوارکاری را به کدام شخصیت اساطیری نسبت می‌دهند؟ (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۱) پوزئیدون (۲) آرگونه (۳) آرس (۴) آرتمیس

پاسخ: گزینه «۱» پوزئیدون خدای دریاها، رودخانه‌ها، سیل، خشکسالی، زمین‌لرزه و اسب‌هاست که اختراع سوارکاری را نیز به او نسبت می‌دهند.

کله مثال ۸: تاناتوس THANATOS به چه صورتی در پرده‌های نقاشی تصویر شده است؟ (هنرهای تصویری - سراسری ۹۲)

(۱) فرشته نگهبان جشن‌های خدایان (۲) فرشته مذکر بال‌داری که تجسم مرگ است.
(۳) فرشته‌ای مؤنث که در حال نواختن چنگ است. (۴) خدایی که دو چهره متقابل انسانی - اهریمنی دارد.

پاسخ: گزینه «۲» تاناتوس در اسطوره‌های یونان، الهه مرگ و مذکر است. او فرزند شب بود و به همراه برادرش هوپنوس در تارتاروس می‌زیست و مورد نفرت خدایان بود.

کله مثال ۹: در اساطیر یونانی - رومی، آپولون به چه شمالی در آمد و به مصر گریخت؟ (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۱) جغد (۲) کلاغ (۳) قوش (۴) حواصیل

پاسخ: گزینه «۲» آپولون (ایزد موسیقی، چوپانی و خرد) موجودات بسیاری را مقدس می‌شمارد که مهم‌ترین آن‌ها پیسو یا دلفین و کلاغ هستند. او وقتی به مصر می‌گریزد به شکل کلاغ در می‌آید.

کله مثال ۱۰: فوکوس (phocus) در اساطیر باستان به چه معنا است؟ (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۱) مهر و سرمستی (۲) تیزبین، نام شاه کالودون (colydon)
(۳) قوش (۴) مهر و نشان

پاسخ: گزینه «۴» فوکوس در اساطیر باستان به معنی مهر و نشان به کار می‌رفته است.

کله مثال ۱۱: ایزدبانوهایی که هوراها (Horae) نامیده می‌شدند، نماد چیستند؟ (هنرهای پژوهشی - سراسری ۹۱)

(۱) برکه‌ها و نیزارها (۲) رونق کشاورزی و حافظ مراتع و نگهبانان زمین‌های زیر گشت
(۳) اسب‌ها و سامان دادن به گله‌ها (۴) فصل‌ها و سامان طبیعت

پاسخ: گزینه «۴» ایزدبانوهایی که هوراها نامیده می‌شوند، فصل‌ها و سامان طبیعت هستند و به هر فصل یک هورا می‌گفتند.

اساطیر ایران

ویژگی اصلی اساطیر ایرانی ثنویت است. زمان اساطیر بی‌کرانه است و از ازل تا ابد ادامه دارد.

این ۱۲ هزار سال به ۴ تا ۳ هزار سال تقسیم می‌شود:

از «زروان» اهورامزدا و اهریمن زاییده شده‌اند. در دنیای خوبی بالاترین مرتبه، اهورامزداست. بعد از اهورامزدا امشاسپندان می‌باشد. هر یک از امشاسپندان یار و یآوری دارند که در کارها به آن‌ها کمک می‌کنند. امشاسپندان تجسم خود اهورامزدا هستند؛ یعنی جلوه‌هایی از او هستند. به‌عنوان اولین امشاسپند، در بسیاری از متون و کتاب‌ها خود اهورامزدا را اولین امشاسپند می‌دانند که به نام «سپننه مینیو» شناخته می‌شده است. سپننه، یعنی فزونی‌بخش و مینیو به معنای روان است که در نهایت به معنی روان فزونی‌بخش است.

ایران‌ویج، سرزمین ایرانیان درون قلمرو اساطیری خونیرس قرار داشت.

بهمن به معنای اندیشه نیک است؛ یعنی اولین جلوه اهورامزدا اندیشه نیک است. جایگاه بهمن در سمت راست اهورامزدا است. همکاران بهمین، ماه، گوشورن (روان گاو) و ایزد رام هستند. بهمین را موکل یا همراه چهارپایان می‌دانند. زمانی که گاو یکتاآفریده مورد حمله قرار گرفته و می‌میرد، نطفه‌اش به زمین می‌رود و بعد به کمک بهمین در ماه پالوده شده و گوشورن باعث می‌شود تا چهارپایان دیگر از آن به‌وجود بیایند.

اردیبهشت (در اساطیر هند رته) ایزد نظم است.

شهریور به معنای شهریاری مطلوب است. همراهان او آسمان، هور، مهر و آناهیتا هستند. موکل فلزات است؛ زیرا شهریاری مطلوب در داشتن دارایی است.

اسپندارمزد

او موکل و ایزدبانوی زمین است. در متون بسیار زیبا توصیف شده و علاوه بر اینکه دختر اهورامزداست می‌توان گفت که همسر او نیز هست. فرزند او کیومرث، نخستین انسان است. همراهان او دئنا و آناهیتا هستند. در دوره منوچهر، افراسیاب تورانی آب را بر ایران می‌بندد. اسپندارمزد با ظاهری بسیار زیبا